

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

.....

حق التالیف این اثر

توسط مؤلف به ستاد اقامه نماز اهداء شده است.

.....

نماز در قرآن

برگرفته از:

تفسیر نور حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی

عنوان و نام پدیدآور	: نماز در قرآن: (برگرفته از تفسیر نور حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی) // کاری از ستاد اقامه نماز کشور.
مشخصات نشر	: تهران: ستاد اقامه نماز، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۰ ص: ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	: ۶۰۰۰ ریال ۲-۱۴۹-۵۳۷-۹۶۴-۹۷۸.
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتاب حاضر برگزیده‌ای از "تفسیر نور" محسن قرائتی است.
عنوان دیگر	: (برگرفته از تفسیر نور حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی).
موضوع	: تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴
موضوع	: Qur'an -- Shiite hermeneutics -- ۲۰th century
موضوع	: نماز -- جنبه‌های قرآنی
موضوع	: Salat -- Qur'anic teaching
شناسه افزوده	: قرائتی، محسن، ۱۳۲۴-، تفسیر نور . برگزیده
شناسه افزوده	: ستاد اقامه نماز
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۵ ۷۰۱۵ ت ۳۵ ق/۹۵ BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۱۷۹
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۴۸۷۶۵۷

«این اثر با کسب مجوز از مؤسسه فرهنگی درس‌هایی از قرآن،

مرکز نشر آثار حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی به چاپ رسیده است.»



ستاد اقامه نماز

نام کتاب: نماز در قرآن (برگرفته از تفسیر نور حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی)

مؤلف: حجت الاسلام والمسلمین قرائتی

گردآوری و تدوین: مهدی اسماعیل پور

ناشر: مؤسسه فرهنگی - انتشاراتی ستاد اقامه نماز

شمارگان: ۳۰۰۰

نوبت چاپ: دوم - تابستان ۱۳۹۶

چاپ و صحافی: نگارش امروز

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

مراکز پخش:

۱. تهران، خیابان ایالتی، مقابل بیمارستان شهید مصطفی خمینی، پلاک ۴۲، انتشارات

ستاد اقامه نماز، تلفن: ۸۸۹۹۱۰۶۸ و ۸۸۹۰۰۰۵۹

۲. دفاتر ستادهای اقامه نماز سرار کشور

شابک: ۲-۱۴۹-۵۳۷-۹۶۴-۹۷۸

فهرست مطالب

۸	مقدمه
۱۳	۱. نماز، مقدم بر همه کارها
۱۶	۲. نماز، اولین نشانه حکومت صالحان
۱۹	۳. اهمیت ویژه نماز در میان کارهای نیک
۲۱	۴. نماز در هر حال
۲۳	۵. سفارش به نماز
۲۵	۶. سازندگی نماز
۳۳	۷. یاد خدا، فلسفه نماز
۳۴	۸. نماز توشه آخرت
۳۷	۹. تحمل سختی‌ها برای اقامه نماز
۳۹	۱۰. اهمیت نماز صبح
۴۱	۱۱. اهمیت نماز ظهر
۴۳	۱۲. نماز جماعت
۴۵	۱۳. نماز جمعه

۵۱.....	۱۴. نماز در سفر.....
۵۳.....	۱۵. اخلاص در نماز.....
۵۵.....	۱۶. نماز خاشعانه، اولین ویژگی مومنان.....
۵۷.....	۱۷. نماز آگاهانه.....
۵۹.....	۱۸. محافظت از نماز.....
۶۰.....	۱۹. کمک گرفتن از نماز.....
۶۱.....	۲۰. نماز و حمایت خداوند.....
۶۵.....	۲۱. نماز و صبر.....
۶۷.....	۲۲. نماز و آرامش.....
۷۴.....	۲۳. نماز و افزایش ظرفیت‌ها.....
۷۵.....	۲۴. نماز و قرآن.....
۷۷.....	۲۵. تلاوت قرآن، نماز و انفاق راه رسیدن به تجارت پرسود.....
۸۰.....	۲۶. نماز و زکات.....
۸۳.....	۲۷. نماز و امر به معروف و نهی از منکر.....
۸۵.....	۲۸. نماز و برادری.....
۸۷.....	۲۹. نماز و شهرسازی.....
۸۹.....	۳۰. نماز و خانواده.....
۹۰.....	۳۱. پایداری بر نماز خانواده.....
۹۳.....	۳۲. سفارش فرزندان به نماز.....
۹۵.....	۳۳. دعا برای نمازگزار شدن فرزندان.....
۹۷.....	۳۴. نماز و کار.....
۱۰۱.....	۳۵. نماز محو کننده گناهان.....

۳۶. آبادانی مسجد به دست نمازگزاران.....	۱۰۳
۳۷. ضایع کردن نماز.....	۱۰۶
۳۸. برخورد دشمنان با نماز.....	۱۰۸
۳۹. نماز منافقان.....	۱۱۰
۴۰. شیطان و نماز.....	۱۱۲
۴۱. عدم توجه به نماز دلیل جهنمی شدن.....	۱۱۵
۴۲. نماز بدون حضور قلب و همراه با ریا.....	۱۱۷

مقدمه

در بیش از ۸۰ آیه از قرآن کریم بیش از ۹۰ بار واژه «صلوة» و مشتقات آن آمده است همچنین علاوه بر واژه «صلوة» نزدیک ۲۰ واژه در قرآن به کار رفته که مرتبط با نماز است مثل واژه‌های عبادت، رکوع، سجده، قنوت، ذکر، حمد، تسبیح، اذان، قبله، مسجد و ...

نماز و قرآن رابطه تنگاتنگی با هم دارند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

۱. نماز تنها عبادتی است که به نام «قرآن» توصیف شده است.

خداوند در آیه ۷۸ سوره اسراء به جای آن که نام نماز صبح را ببرد از آن تعبیر به «قُرْآنَ الْفَجْرِ» کرده و می‌فرماید:

«أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا» نماز را به هنگام بازگشت خورشید (به سمت مغرب) تا تاریکی شب، بپادار، و همچنین قرآن سپیده‌دمان را. همانا (قرائت) قرآن (به هنگام) فجر (در نماز صبح) مورد مشاهده (فرشتگان) است.

از این آیه همچنین استفاده می‌شود که قرآن و تلاوت آن در نماز، محور اصلی است.

۲. نماز، در بیشتر سوره‌های قرآن، از بزرگ‌ترین سوره (بقره) تا کوچک‌ترین آن (کوثر) مطرح است.

۳. خداوند در آیه ۱۷۰ سوره مبارکه اعراف تمسک به قرآن و نماز را در کنار هم آورده است.

در این آیه می‌خوانیم: «وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ»

و کسانی که به کتاب (آسمانی) تمسک می‌جویند و نماز را به پا داشته‌اند (بدانند که ما) قطعاً پاداش اصلاح‌گران را تباه نخواهیم کرد.

و این نشان از ارتباط تنگاتنگ نماز و قرآن است.

۴. قرآن را همچون نماز باید به پاداشت.

خداوند در قرآن در ۱۸ آیه اقامه نماز را با لفظ «أَقِمْوْا» و «أَقَامُوا» مطرح کرده و همین تعبیر را در مورد قرآن نیز در آیه ۶۶ سوره مائده بیان کرده و می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكْلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ»

و اگر آنان (یهود و نصارا) تورات و انجیل و آنچه را از سوی پروردگارشان بر آنان نازل شده (قرآن)، برپا می‌داشتند، از بالای سرشان (آسمان) و از زیر پاهایشان (زمین) روزی می‌خوردند.

۵. دلیل وجوب نماز، مہجوریت‌زدایی از قرآن است.

خداوند در آیه ۳۰ سوره فرقان شکایت پیامبر را در روز قیامت به خاطر
 مهجوریت قرآن بیان می‌کند و می‌فرماید:
 «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا»
 پیامبر (در روز قیامت از روی شکایت) می‌گوید: پروردگارا! قوم من این
 قرآن را رها کردند.

این شکایت ویژگی‌هایی دارد از جمله:

- الف. در پر خطرترین دادگاه یعنی روز قیامت اتفاق می‌افتد.
- ب. نزد عالی‌ترین قاضی یعنی خداوند است.
- ج. از محبوبترین و بالاترین مقام هستی یعنی پیامبر ﷺ صورت می‌گیرد.
- د. شکایت توسط کسی است که مظهر رحمت للعالمین است.
- ه. شکایت پدر از فرزند است. زیرا پیامبر فرمودند من و حضرت علی علیه السلام پدران
 این امت هستیم. «انا و علی ابوا هذه الامه»
- و. شکایت حتمی است چون با فعل ماضی آمده است. (وَقَالَ الرَّسُولُ)
- ز. شکایت با استمداد از کلمه یا رب است.
- ح. شکایت از کسی است که امید شفاعت از او داریم. «وَيْلٌ لِّمَنِ كَانَ شَفَعَاءَهُ
 خصماءه؟»

امام رضا علیه السلام نیز در حدیثی دلیل واجب شدن نماز را مهجوریت‌زدایی از
 قرآن بیان می‌کند و می‌فرماید: نماز بر مردم واجب شد تا قرآن از مهجوریت

بیرون آید؟ عَنِ الرَّضَاءِ رَضِیَ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ أُمِرَ النَّاسُ بِالْقِرَاءَةِ فِي الصَّلَاةِ لِئَلَّا يَكُونَ الْقُرْآنُ مَهْجُورًا مُضَيَّعًا^۱

هر یک از ما نیز باید سعی کنیم در حد توان از مهجوریت قرآن بکاهیم تا مورد شکایت پیامبر واقع نشویم و چه بهتر که این سعی را با مطالعه و تدبر در آیات قرآن در خصوص اولین و مهمترین توصیه خداوند که اقامه نماز است داشته باشیم و از متن آیات قرآن علم و فهم و درک خود را نسبت به نماز بالا ببریم.

مجموعه حاضر آیاتی با موضوع نماز است که براساس تفسیر نور حجت الاسلام قرائتی و برخی کتب دیگر ایشان تهیه و تدوین گردیده تا خوانندگان با این آیات و نکات و پیام‌های آن آشنا شوند. امید است که این اثر ناچیز گامی در جهت مهجوریت‌زدایی از قرآن و اقامه نماز باشد.

من الله التوفيق
ستاد اقامه نماز

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۳۱۰.

۱. نماز، مقدم بر همه کارها

رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ (نور، ۳۷)

مردانی که هیچ تجارت و معامله‌ای آنان را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و پرداخت زکات، سرگرم و مشغول نمی‌کند، از روزی که در آن، دلها و چشم‌ها دگرگون می‌شود بیمناکند.

نکته‌ها:

«تِجَارَةٌ» داد و ستد دائمی است که برای به دست آوردن سود انجام می‌گیرد، ولی «بَيْعٌ» خرید و فروش مقطعی و دفعی برای رفع نیازهای روزمره زندگی است.^۱

کلمه‌ی «رِجَالٌ» در این جا شامل همه‌ی بندگان خدا می‌شود، چه مرد و چه زن. در حدیث می‌خوانیم: مراد از کسانی که در این آیه از آنها یاد شده است، تجاری هستند که با شنیدن صدای اذان، تجارت را رها می‌کنند و به سوی نماز می‌روند.^۲

۱. تفسیر المیزان.

۲. تفسیر نور الثقلین.

تجارت، تنها عاملی نیست که انسان را سرگرم می‌کند و از یاد خدا باز می‌دارد، عوامل دیگری نیز در قرآن کریم ذکر شده است، از جمله: تکاثر، آرزو، فرزند و دوست بد.

پیام‌ها:

۱. کسانی که تجارت آنان را غافل نکند، مردان بزرگی هستند. (کلمه «رِجَالٌ» با تنوین آمده که علامت بزرگی و عظمت است)
۲. تلاش و اقتصاد منهای یاد خدا، پوچ و بی‌ارزش است. («لَا تُلْهِیْهِمْ» به جای «لَا تَمْنَعُهُمْ» بیانگر آن است که اگر به تجارت سرگرم و از نماز غافل شدی کار تو لَهو، پوچ و بی‌ارزش است.)
۳. تجارت و اقتصاد، لغزشگاه بزرگی است. «لَا تُلْهِیْهِمْ تِجَارَةٌ»
۴. اگر ایمان و اراده‌ی قوی باشد، ابزار و وسائل اثری ندارند. «رِجَالٌ لَا تُلْهِیْهِمْ»
۵. بازار اسلامی هنگام نماز، باید تعطیل شود. «رِجَالٌ لَا تُلْهِیْهِمْ» ...
۶. از نظر اسلام، حتی کارهای حلال و مباح نباید انسان را از یاد خدا غافل کند، چه رسد به کارهای مکروه و حرام. «لَا تُلْهِیْهِمْ تِجَارَةٌ»
۷. ترک تجارت، ارزش نیست، بلکه تجارت همراه با یاد خدا و نماز و زکات ارزش است. «لَا تُلْهِیْهِمْ تِجَارَةٌ ... عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ ...» (مردان خدا برای زندگی مادی خود تلاش می‌کنند، ولی از آخرت غافل نیستند.)
۸. ایمان به آخرت، دنیا را نزد انسان کوچک می‌کند. «لَا تُلْهِیْهِمْ ... يَخَافُونَ يَوْمًا»

۹. با این که نماز ذکر خداست، ولی به خاطر اهمیت آن در کنار ذکر الله جداگانه مطرح شده است. «ذِكْرُ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ»

۱۰. نماز و زکات عدل یکدیگرند و تاجرانی استحقاق ستایش دارند که اهل هر دو باشند. «إِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ»

۱۱. دنیا، شما را از آخرت غافل نکند. «يَخَافُونَ يَوْمًا»

۱۲. در قیامت، چشم‌ها گاهی تیز و گاهی خاشع و دل‌ها منقلب است. «تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ» قیامت صحنه‌های هولناک و هراس‌آوری دارد. «يَخَافُونَ» ...

۱۳. در قیامت، معیارها عوض می‌شود. (آنچه در دنیا در دیده‌ها و دل‌ها جلوه می‌کند، در آخرت به شکل دیگری درمی‌آید. آنچه امروز به سوی آن می‌رویم، فردا از آن فرار خواهیم کرد). «تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ»

۲. نماز، اولین نشانه حکومت صالحان

الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْعُرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (حج، ۴۱)

کسانی که اگر آنان را در زمین به قدرت رسانیم، نماز بر پا می‌دارند و زکات می‌دهند و (دیگران را) به خوبی‌ها دعوت می‌کنند و از بدی‌ها باز می‌دارند و پایان همه‌ی امور برای خداست.

نکته‌ها:

اگر قدرت و امکانات، در دست افراد صالح باشد، بهره‌برداری صحیح می‌کنند و اگر در اختیار ناهلان قرار گیرد سوء استفاده می‌کنند. بنا بر این دنیا و قدرت، برای گروهی نعمت و برای گروهی وسیله‌ی بدبختی است و قرآن از هر دو نمونه یاد کرده است: اگر مؤمنان به قدرت برسند، به سراغ نماز و زکات و امر به معروف می‌روند ولی انسان‌های منحرف و ناهل، اگر قدرتمند شوند کارشان طغیان است، «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِكَبَّارٍ»^۱ و در راه نابودی منابع اقتصادی و نسل بشر گام بر می‌دارند، «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ

۱. علق، ۶.

لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ^۱ و عاقبت، مردم را به دوزخ می‌کشانند. «أَيُّمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ»^۲

پیام‌ها:

۱. امر به معروف و نهی از منکر، به قدرت نیاز دارد. «مَكَّنَّاهُمْ»
۲. پیروزی مؤمنان، زمینه‌ی بندگی و تعاون مالی و فرهنگی را فراهم می‌کند و غفلت و غرور را از بین می‌برد. «إِنْ مَكَّنَّاهُمْ» ...
۳. برای مؤمنان، تمام زمین یکسان است، آنان هر کجا که توان دارند هدف مقدس خود را پیاده می‌کنند. «فِي الْأَرْضِ»
۴. همه‌ی قدرت‌ها را از خدا بدانیم. «مَكَّنَّاهُمْ»
۵. اولین ثمره‌ی حکومت صالحان، نماز و زکات و امر به معروف و نهی از منکر است. «إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ» ...
۶. رابطه با خدا و دستگیری از محرومان و آگاهی دادن به جامعه و جلوگیری از مفاسد، از هم جدا نیست. «أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالمَعْرُوفِ» ...
۷. اقامه‌ی نماز و ادای زکات و امر به معروف و نهی از منکر از وظایف و کارهای قطعی مسئولان حکومت اسلامی است. «أَقَامُوا» نه «یقیمون»

۱. بقره، ۲۰۵.

۲. قصص، ۴۱.

۸. حاکمان مؤمن، هم در فکر ارتقای روحی و رشد امور معنوی هستند و هم به دنبال رفاه و حل مشکلات اقتصادی و فقرزدایی و اصلاح جامعه. «أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ» ...

۹. جامعه‌ای تحت حمایت خداوند است که این چهار ارزش محوری را داشته باشد: نماز، زکات، امر به معروف و نهی از منکر. «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»، «الَّذِينَ إِِنْ مَكَّنَّاهُمْ أَقَامُوا الصَّلَاةَ»

۱۰. امر و نهی شما، زمانی در جامعه موثر است که اول به وظایف فردی خود عمل کنید. «أَقَامُوا الصَّلَاةَ ... أَمُّرُوا بِالْمَعْرُوفِ»

۱۱. اقامه‌ی نماز، به قدرت و امکانات نیاز دارد. «إِنْ مَكَّنَّاهُمْ ... أَقَامُوا الصَّلَاةَ»

۱۲. زکات، همتای ناگسستی نماز است. «أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ» (در ۲۸ آیه‌ی قرآن، زکات در کنار نماز آمده است).

۳. اهمیت ویژه نماز در میان کارهای نیک

وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ (انبیاء، ۷۳)

و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می کردند و به آنان، انجام کارهای نیک و برپایی نماز و پرداخت زکاة را وحی کردیم و آنان فقط عبادت کنندگان ما بودند.

نکته:

با اینکه نماز نیز جزء کارهای خوب است، اما نام آن جداگانه در کنار خیرات برده شده و این توجه قرآن بخاطر اهمیت نماز است.

پیام‌ها:

۱. امامت نیز همچون نبوت، باید با انتخاب خداوند باشد. «جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً»
۲. توجه به انجام کارهای خیر، از الطاف ویژه الهی است. «أَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ»
۳. نماز و زکات در میان کارهای خیر، جایگاه ویژه‌ای دارند. «فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَ إِقَامَ الصَّلَاةِ وَ إِيتَاءَ الزَّكَاةِ»

۴. نماز و زکات، دو رکن اساسی در همه ادیان بوده است. «إِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ»

۵. بدون نماز و زکات، انسان به درجه بندگی خدا نمی‌رسد. «إِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ»

۴. نماز در هر حال

الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (آل عمران، ۱۹۱)

(خردمندان) کسانی هستند که ایستاده و نشسته و (خوابیده) بر پهلو یاد خدا می‌کنند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین اندیشه می‌کنند (و از عمق جان می‌گویند): پروردگارا! این هستی را باطل و بی هدف نیافریده‌ای، تو (از کار عبث) پاک و منزّه‌ی، پس ما را از عذاب آتش نگهدار. نکته‌ها:

به فرموده‌ی امام باقر علیه السلام، افراد سالم، نماز را ایستاده و افراد مریض، نشسته و افراد عاجز، به پهلو خوابیده، به جا آورند.^۱

پیام‌ها:

۱. نشانه‌ی خردمندی، یاد خدا در هر حال است. «لِأُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ»

۱. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۳۳.

۲. اهل فکر، باید اهل ذکر باشند. «لِأُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ»، «وَيَتَفَكَّرُونَ»

۳. ایمان بر اساس فکر و اندیشه ارزشمند است. «يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا»

۴. ذکر و فکر، همراه یکدیگر ارزش است. متأسفانه کسانی ذکر می‌گویند، ولی اهل فکر نیستند و کسانی اهل فکر هستند، ولی اهل ذکر نیستند. «يَذْكُرُونَ»، «يَتَفَكَّرُونَ»

۵. آنچه سبب رشد و قرب است، ذکر و فکر دائمی است نه موسمی. «يَذْكُرُونَ» و «يَتَفَكَّرُونَ» فعل مضارع‌اند که نشان استمرار است.

۶. آفرینش بیهوده نیست، گرچه همه اسرار آن را درک نکنیم. «مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا»

۷. اول تعقل و اندیشه، سپس ایمان و عرفان، آن گاه دعا و مناجات. «يَتَفَكَّرُونَ»، «رَبَّنَا»، «فَقِنَا»

۸. اگر هستی بیهوده و باطل نیست، ما هم نباید بیهوده و باطل باشیم. «مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا»، «فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»

۹. هستی هدفدار است، پس هر چه از هدف الهی دور شویم به دوزخ نزدیک می‌شویم. «فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»

۵. سفارش به نماز

وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا (مریم، ۳۱)
و هر جا که باشم، خداوند مرا مایه‌ی برکت قرار داده و تا زنده‌ام مرا به نماز و زکات
سفارش کرده است.

نکته‌ها:

چیزی با برکت است که در آن منفعت زیاد، تعلیم و تأدیب دیگران و با
ثبات باشد حضرت عیسی علیه السلام هم عمر با برکتی دارد و تا بعد از ظهور امام
زمان علیه السلام زنده است و هم پیروانش بسیارند و بر کافرانی که در پی قتل آن
حضرت بودند، پیروزند. «وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ
الْقِيَامَةِ»^۱ سرچشمه‌ی خیرات و برکات، نیت‌ها، اهداف، حالات و خصلت‌های
درونی است. لذا بعضی انسان‌ها هر جا که باشند مبارکند. «جَعَلَنِي مُبَارَكًا
أَيْنَ مَا كُنْتُ» و بعضی به خاطر مشکلات روحی و دوری از معنویت، در هر
جا که باشند گرفتار خصلت‌های ناروای خویش‌اند و خیرشان به دیگران
نمی‌رسد.

۱. آل عمران، ۵۵.

پیام‌ها:

۱. امتیازات و برتری‌های خود را از خدا بدانید. «جَعَلَنِي»
۲. ستایش از خود، اگر برای فخر فروشی نباشد مانعی ندارد. «وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا»
...
۳. پیامبران، سرچشمه‌ی خیر و برکت و آثار ابدی هستند. «مُبَارَكًا»
۴. ارزش‌های معنوی، فوق زمان و مکان است. «أَيْنَ مَا كُنْتُ ... مَا دُمْتُ حَيًّا»
۵. نماز و زکات از مشترکات ادیان آسمانی است. «وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ»
(شاید بتوان شرط مبارک بودن را اقامه نماز و پرداخت زکات دانست.)
۶. رابطه با خدا (انجام نماز)، از رابطه با محرومان (پرداخت زکات) جدا نیست.
«بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ»
۷. نماز و زکات، در طول عمر تعطیل بردار نیست. «مَا دُمْتُ حَيًّا»

۶. سازندگی نماز

انَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ (عنکبوت، ۴۵)
قطعاً نماز از فحشا و منکر جلوگیری می‌کند.

نکته‌ها:

این آیه شریفه با کلمه «ان» و جمله‌ی اسمیه شروع می‌شود و نشان می‌دهد نقش نماز در اصلاح فرد و جامعه و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی قطعی است.

کار شیطان نیز با نماز در تضاد است. شیطان به انسان دستور گناه می‌دهد، «فَإِنَّهُ يُأْمَرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» اما نماز انسان را از گناه باز می‌دارد. إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ ...

سؤال: چگونه نماز فرد و جامعه را از فحشا و منکر باز می‌دارد؟

پاسخ:

۱. ریشه‌ی تمام منکرات غفلت است و خداوند در آیه ۱۷۹ سوره‌ی اعراف، انسان غافل را از حیوان بدتر شمرده است. «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ

أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» و بر طبق آیه «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»^۱ نماز یاد خدا و بهترین وسیله‌ی غفلت‌زدایی است، پس زمینه‌ی منکرات را از بین می‌برد.

یاد خدا اثراتی دارد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

– یاد نعمت‌های او، رمز معرفت و شکر اوست.

– یاد قدرت بی پایان او، رمز توکل به اوست.

– یاد علم و آگاهی او، رمز حیا و تقوای ماست.

– یاد الطاف او، رمز محبت به اوست.

– یاد عدالت او، رمز خوف از اوست.

– یاد امدادهای او، رمز امید و رجاست.

۲. اقامه‌ی نماز و داشتن رنگ الهی، مانع گرفتن رنگ شیطانی است. چنان که کسی که لباس سفید بپوشد، حاضر نیست در جای کثیف و آلوده بنشیند.

۳. در کنار نماز، معمولاً توصیه به زکات شده است، که فرد را از منکر بخل و بی‌تفاوتی در برابر محرومان و جامعه را از منکر فقر که زمینه‌ی رویکرد به منکرات است، رها می‌سازد.

۴. نماز، دارای احکام و دستوراتی است که رعایت هر یک از آنها انسان را از بسیاری گناهان باز می‌دارد، مثلاً:

شرط حلال بودن مکان و لباس نمازگزار، انسان را از تجاوز به حقوق

دیگران باز می‌دارد.

رعایت شرط پاک بودن آب وضو، مکان، لباس و بدن نمازگزار، انسان را از آلودگی و بی‌مبالاتی دور می‌کند.

شرط اخلاص، انسان را از منکر شرک، ریا و سُمعه باز می‌دارد.

شرط قبله، انسان را از منکر بی‌هدفی و به هر سو توجّه کردن باز می‌دارد.

رکوع و سجده، انسان را از منکر تکبر باز می‌دارد.

توجّه به پوشش مناسب در نماز، انسان را از منکر برهنگی و بی‌حیایی حفظ می‌کند.

توجّه به عدالت امام جماعت، سبب دوری افراد از فسق و خلاف می‌شود.

نماز جماعت، انسان را از گوشه‌گیری نابجا نجات می‌دهد.

۵. احکام و شرایط نماز جماعت، بسیاری از ارزش‌ها را زنده می‌کند از جمله: مردمی بودن، جلو نیافتادن از رهبر، عقب نماندن از جامعه، سکوت در برابر سخن حقّ امام جماعت، نظم و انضباط، ارزش‌گذاری نسبت به انسان‌های با تقوا، دوری از تفرقه، دوری از گرایش‌های مذموم نژادی، اقلیمی، سیاسی و حضور در صحنه که ترک هر یک از آنها، منکر است.

سوال: اگر نماز انسان را از فحشا و منکر باز می‌دارد پس چرا عده‌ای با وجود اینکه نماز می‌خوانند باز گناه می‌کنند؟

پاسخ ۱:

تخمه پوک، هیچ گاه سبز نمی‌شود و نماز بدون حضور قلب، تخمه پوک است. نمازی سبب دوری انسان از مفاسد می‌شود که با حضور قلب باشد

وگرنه حرکت لب و کمر چنین خاصیتی را ندارد.

اگر مدرسه و دانشگاه به انسان رشد علمی می‌دهد به این معنا نیست که هرکس به مدرسه و دانشگاه رفت به آن رشد می‌رسد، بلکه به این معناست که مدرسه و دانشگاه بستر رشد است به شرط آنکه با جدّیت درس بخوانید و آنچه را می‌خوانید بفهمید. نماز نیز اگر با اصول و شرایطی که دارد اقامه گردد، مانع فحشا و منکر می‌شود.

خداوند در آیه ۵۹ سوره مریم می‌فرماید: «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا» آن گاه پس از آنان، جانشینان بد و ناشایسته‌ای آمدند که نماز را ضایع کردند و هوس‌ها را پیروی کردند. پس به زودی (کیفر) گمراهی خود را خواهند دید.

ضایع کردن نماز، غیر از نخواندن و ترک آن است. کسی که نماز می‌خواند، ولی بدون رعایت شرایط آن یا با تأخیر، چنین کسی نماز را ضایع کرده و آن را سبک شمرده است.^۱

در روایتی می‌خوانیم: همین که حضرت رسول ﷺ این آیه را تلاوت می‌فرمودند، منقلب شده، فرمودند: بعد از ۶۰ سال، گروهی نماز را ضایع خواهند کرد.^۲

در جایی دیگر، به نمازگزارانی که نسبت به نمازشان سهل انگار و بی‌اعتنا

۱. بحار، ج ۱۱، ص ۷۲.

۲. تفسیر نمونه

هستند و گاهی می‌خوانند و گاهی نمی‌خوانند، می‌گویند: وای بر آنان: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»^۱

نمازی که گاه و بیگاه خوانده شود، انسان را در زمره نمازگزاران قرار نمی‌دهد. در سوره مدثر دوزخیان می‌گویند: «لَمْ يَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ» یعنی نماز ما استمرار نداشت. و این چنین نمازی انسان را مشمول شفاعت شافعان قرار نمی‌دهد زیرا خداوند در سوره مدثر در چند آیه بعد می‌فرماید: «فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ»^۲ و این همان حدیث معروف امام صادق علیه السلام است که در آستانه شهادت فرمودند که بستگانم را حاضر کنید و خطاب به آنان فرمودند: «لا ينال شفاعتنا من استخف بالصلاة»^۳

ارزش گذاری به نماز، نشانه ایمان به خداست و بی‌اعتنایی، دلیل ضعف عشق و علاقه به معنویات است.

حضرت علی علیه السلام فرمود: «انَّ اسْرَقَ النَّاسِ مِنْ سَرَقَ صَلَاتِهِ»^۴ سارق‌ترین و دزدترین افراد، آنانند که از نمازشان بکاهند و بدزدند.

در جای دیگر فرمود: کسانی که نماز را سبک می‌شمروند، مانند زنانی هستند که سقط جنین می‌کنند، نه می‌توان آنان را حامله نامید و نه می‌توان

۱. ماعون، آیه ۴ و ۵

۲. مدثر، ۴۸.

۳. کافی، ج ۳، ص ۲۷۰.

۴. بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۲۴۲.

به آنان بچه‌دار گفت.^۱

و نیز فرمود: «مَنْ ضَيَّعَ الصَّلَاةَ فَهُوَ لَغَيْرِهَا أَضْيَعُ»^۲ کسی که نماز را سبک شمارد و ضایع کند، نسبت به غیر نماز، تضییع بیشتری خواهد داشت.

پیامبر اسلام ﷺ فرمود: آنکه نماز خود را تباه سازد، در قیامت در کنار قارون و هامان خواهد بود. وای بر کسی که از نماز خود مواظبت نکند.^۳

و نیز: کسی که نماز را سبک شمرد، خداوند برکت و بهره و خیر را از عمر و مال او برمی‌دارد، پاداش کارهای او از بین می‌رود، دعاهایش مستجاب نمی‌شود، هنگام مرگ، با احساس گرسنگی و تشنگی و ذلت مخصوصی از دنیا می‌رود، در برزخ، شکنجه و ظلمت و فشار می‌چشد. و در قیامت حساب سختی از او کشیده می‌شود.^۴

و فرمود: هر که نماز را سبک شمرد، از امت من نیست.^۵

از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده است که: همینکه انسان در نماز به غیر خدا توجه می‌کند، خداوند به او می‌فرماید: «إِلَى مَنْ تَقْصِدُ؟ أَرَبَّا غَيْرِي تُرِيدُ؟ وَ رَقِيبًا سِوَايَ تَطْلُبُ جِوَادًا خَلَايَ تَبْغِي؟»^۶

۱. بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۲۸۴

۲. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۹

۳. همان.

۴. سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۳

۵. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۵

۶. مستدرک وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۷۳

به که توجّه می‌کنی؟ آیا پروردگار غیر از من سراغ داری؟ آیا مراقبی جز من در کار است؟ آیا به بخشنده‌ای غیر از من دل بسته‌ای؟ بخشنده‌ترین کس منم ... اگر توجّه به من داشته باشی، من و فرشتگانم به تو توجّه داریم.

پاسخ ۲:

نمازگزاری که گاهی خلاف می‌کند، اگر اهل نماز نبود خلافش بیشتر بود، زیرا همین نمازگزار برای صحیح بودن نمازش مجبور است بدن و لباسش پاک باشد، لباس و مکانش از مال مردم نباشد و همین مقدار مراعات احکام و مسائل، سبب دور شدن او از برخی گناهان و منکرات می‌شود.

به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفته شد: فلانی هم نماز می‌خواند و هم خلاف می‌کند، فرمود: «ان صلاته تنهاه یوما»^۱ بالاخره نماز او روزی نجاتش خواهد داد.

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کسی دوست دارد قبولی یا ردّ نمازش را بداند، ببیند نمازش او را از فحشا و منکر باز داشته است یا نه. سپس امام علیه السلام فرمود: «فبقدر ما منعه قبلت منه»^۲ به اندازه‌ای که نماز، انسان را از منکرات باز می‌دارد، به همان اندازه قبول می‌شود.

۱. تفسیر مجمع البیان.

۲. همان.

پاسخ ۳:

جواب دیگر این است که آیه نمی‌گوید: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ» نمی‌گوید: نماز مانع است بلکه می‌گوید: «تنهی» یعنی مرتّب نهی می‌کند که این کار را نکن بنابراین نماز دست انسان را نمی‌بندد تا نتواند گناه کند بلکه او را از انجام گناه نهی می‌کند و باز می‌دارد حال ممکن است انسان به این نهی توجه نکند البته هر چه انسان نمازش کامل‌تر باشد تاثیر این نهی در او بیشتر خواهد بود.

اگر گفتیم پلیس از تخلفات رانندگی نهی می‌کند به این معنا نیست که مردم نتوانند تخلف کنند بلکه به این معناست که حضور پلیس و جریمه و چراغ قرمز و بوق‌های مسافران همه هشدارند ولی خلافکار می‌تواند با وجود همه هشدارها تخلف کند.

۷. یاد خدا، فلسفه نماز

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي (طه، ۱۴)

و نماز را بپا دار تا به یاد من باشی.

پیام‌ها:

۱. نماز، اولین دستور کار و برنامه‌ی عملی انبیاست. «أَقِمِ الصَّلَاةَ»
۲. نماز، در ادیان دیگر نیز بوده است زیرا در این آیه خطاب به حضرت موسی می‌کند و می‌فرماید: «أَقِمِ الصَّلَاةَ»
۳. هدف از اقامه نماز، تنها رعایت قالب آن نیست، بلکه توجه به قلب آن، یعنی احساس حضور است. «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»
۴. برپایی نماز به خاطر یاد اوست، «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» و یاد او موجب آرامش دلهاست. «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^۱ چنان که یاد ما از خدا، سبب یاد خدا از ماست. «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ»^۲

۱. رعد، ۲۸.

۲. بقره، ۱۵۲.

۸. نماز توشه آخرت

قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ
يَوْمٌ لَا يَنْفَعُ فِيهِ وَلَا خِلَالٌ (ابراهيم، ۳۱)

(ای پیامبر) به بندگان من (آنان) که ایمان آورده‌اند، بگو: نماز را برپا دارند، و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم، پنهان و آشکار انفاق کنند قبل از آن که روزی فرا رسد که در آن نه دادوستدی باشد و نه دوستی و رابطه‌ای.

نکته‌ها:

نماز یکی از برنامه‌های مومنین و نشان بندگی خدا و توشه آخرت است. انفاق آشکار، سبب تربیت نسل و تشویق دیگران و رفع تهمت از خود است و انفاق پنهانی عامل رشد و اخلاص است. البته بعضی مفسران گفته‌اند: انفاق علنی مربوط به انفاق‌های واجب مثل خمس و زکات است و انفاق مخفی مربوط به موارد مستحب مثل صدقه است.

با این که هر یک از انفاق آشکار و پنهان آثاری دارند، ولی شاید بتوان گفت، انفاق پنهان بهتر است، چون در این آیه کلمه‌ی «سِرًّا» بر «عَلَانِيَةً» مقدم شده است.

پیام‌ها:

۱. برای فرمان دادن، به طرف خود شخصیت دهید. «لِعِبَادِي» بندگی خدا مدال افتخار مومنان است.
 ۲. ایمان قلبی کافی نیست، نماز، انفاق و عمل صالح لازم است. «آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ يُنْفِقُوا»
 ۳. اسلام دین جامع است. رابطه با خدا و کمک به محرومین، در کنار هم و شرط قبولی یکدیگرند. «يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ يُنْفِقُوا»
 ۴. مورد انفاق، تنها مال نیست، از هر چه داریم باید انفاق کنیم. (چه علم و ثروت، چه آبرو و قدرت) «مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ»
 ۵. انفاق باید از رزق خدا یعنی مال حلال باشد، نه از هر مالی که داشتیم. فرمود: «رَزَقْنَاهُمْ» و نفرمود «عندکم»
 ۶. انفاق باید گاهی پنهان و گاهی آشکارا باشد. «سِرًّا وَ عَلَانِيَةً»
 ۷. از فرصت‌ها استفاده کنید. «مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ» ...
 ۸. اگر دنبال تجارت هستید در دنیا با خدا معامله کنید، زیرا که در قیامت هیچ داد و ستدی نیست. «يَوْمٌ لَا يَبِيعُ فِيهِ»
 ۹. با پول و پارتی نمی‌توان از عذاب قیامت فرار کرد. «لَا يَبِيعُ فِيهِ وَ لَا خِلَالٌ»
- همچنین در آیه ۱۱۰ سوره بقره نیز به محفوظ ماندن کارهای خیر از جمله نماز و زکات برای قیامت اشاره کرده و می‌فرماید:
- وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ مَا تَقَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

و نماز را برپا دارید و زکات را پرداخت نمایید و هر خیری که برای خود از پیش می‌فرستید، آن را نزد خدا (در سرای دیگر) خواهید یافت، همانا خداوند به اعمال شما بیناست.

۹. تحمل سختی‌ها برای اقامه نماز

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ «ابراهيم، ۳۷»

پروردگارا! من (یکی) از ذریه‌ام را در وادی (و دره‌ای بی‌آب و) بی‌گیاه، در کنار خانه‌ی گرامی و با حرمت تو ساکن ساختم. پروردگارا! (چنین کردم) تا نماز برپا دارند، پس دل‌های گروهی از مردم را به سوی آنان مایل گردان و آنان را از ثمرات، روزی ده تا شاید سپاس گزارند.

نکته‌ها:

وقتی خداوند در زمان پیری ابراهیم، اسماعیل را به او عطا کرد، او را فرمان داد که این کودک و مادرش را در مکه اسکان دهد. ابراهیم فرمان الهی را اطاعت نمود و سپس برای آنان دعا کرد.

پیام‌ها:

۱. انتخاب مسکن انبیا بر اساس نماز و عبادت بود. «أَسْكَنْتُ - لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ»
۲. دینداری، گاهی با آوارگی، هجرت، دوری از خانواده و محرومیت از امکانات رفاهی همراه است. «أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ»

۳. کعبه و اطراف آن در زمان حضرت ابراهیم نیز محترم و دارای محدودیت و ممنوعیت بوده است. «بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ»
۴. محور و مقصد حرکت ابراهیم نماز است. «رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ»
۵. اهل نماز، باید محبوب باشد. «لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ»
۶. نماز در ادیان قبل نیز بوده است. «لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ»
۷. محبوبیت و گرایش دل‌ها به دست خداست. او باید دل‌ها را به شخصی یا چیزی گرایش دهد. «فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً»
۸. همه‌ی مردم لیاقت دوست داشتن اولیای خدا را ندارند. کلمه «مِنْ» در عبارت «مِنَ النَّاسِ» به معنای بعضی از مردم است.
۹. مردان خدا، دنیا را برای هدفی عالی می‌خواهند. اگر بهره از ثمرات می‌خواهند برای تشکر از خداست. «مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ»

۱۰. اهمیت نماز صبح

أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا
(اسراء، ۷۸)

نماز را به هنگام بازگشت خورشید (به سمت مغرب) تا تاریکی شب، بپادار، و همچنین قرآن سپیده‌دمان را. همانا (قرائت) قرآن (به هنگام) فجر (در نماز صبح) مورد مشاهده (فرشتگان) است.

نکته‌ها:

«ذلوك»، هنگامی است که خورشید از وسط آسمان رو به مغرب میل می‌کند که زوال نامیده می‌شود، و وقت نماز ظهر و عصر است. و «غَسَقِ اللَّيْلِ» وقت نماز مغرب و عشاء است که تاریکی، فراگیر می‌شود و «فجر»، وقت نماز صبح است.^۱

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: اولین نمازی که واجب شد نماز ظهر بود و آن گاه این آیه را تلاوت فرمودند.^۲

۱. تفسیر اُطیب البیان.

۲. کافی، ج ۳، ص ۲۷۵.

در روایت دیگری آمده است: اگر نماز صبح در اوّل فجر اقامه شود، فرشتگان شب و روز هر دو آن را ثبت می‌کنند.^۱ و «مشهود» بودن نماز صبح نیز ممکن است به همین معنا باشد.^۲ یعنی هر دو گروه فرشتگان آن را مشاهده کرده و بر آن گواهی می‌دهند.

پیام‌ها:

۱. معیار شناخت اوقات در اسلام، طبیعی است به نحوی که قابل فهم و درک همه کس در همه جا و همیشه باشد. «لِدُلُوكِ الشَّمْسِ، غَسَقِ اللَّيْلِ، الْفَجْرِ»
۲. برنامه‌های دینی، زمان‌بندی شده است. «لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ»
۳. نماز تنها عبادتی است که به نام «قرآن» توصیف شده است. «قُرْآنَ الْفَجْرِ»
۴. قرآن و تلاوت آن در نماز، محور اصلی است. «قُرْآنَ الْفَجْرِ»^۳
۵. در میان نمازها، نماز صبح جایگاه ویژه‌ای دارد. «إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا»

۱. کافی، ج ۳، ص ۲۷۵.

۲. تفسیر المیزان.

۳. پیامبر ﷺ فرمود: «لا صلوة الا بقرآن». کنز العمال، ج ۱۹۶۹۸.

۱۱. اهمیت نماز ظهر

حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ (بقره، ۲۳۸)
بر انجام همه‌ی نمازها و (خصوصاً) نماز وسطی (ظهر)، مواظبت کنید و برای خدا
خاضعانه بپاییزید.

نکته‌ها:

درباره مراد از نماز وسطی، چند نظریه است، ولی با توجّه به شأن نزول آیه
که گروهی بخاطر گرمی هوا در نماز ظهر شرکت نمی‌کردند و با توجّه به
روایات و تفاسیر، مراد همان نماز ظهر است.

حفظ هر چیزی باید مناسب با خودش باشد حفظ مال از دست برد دزد
است، حفظ بدن از میکرب است، حفظ روح از آفات اخلاقی نظیر حرص،
حسد و تکبر است، و حفظ فرزند از دوست بد می‌باشد. اما حفظ نماز به
چیست؟ حفظ نماز، آشنایی با اسرار آن، انجام به موقع آن، صحیح بجا
آوردن، فراگرفتن احکام و آداب آن و حفظ مراکز عبادت و تمرکز فکر به
هنگام آن است.

در حدیثی می‌خوانیم: نماز به گروهی می‌گوید: مرا ضایع کردی خدا تو را

ضایع کند و به گروهی می‌گوید: مرا حفظ کردی خداوند تو را حفظ کند.^۱

پیام‌ها:

۱. اقامه نماز باید مداوم باشد. «حَافِظُوا»
۲. همه‌ی مردم مسئول حفظ نمازند. «حَافِظُوا»
۳. نماز را به جماعت برپا کنید. «حَافِظُوا»، «قُومُوا»
۴. هر کجا زمینه‌ی سهل انگاری یا غفلت احساس می‌شود، هشدار بیشتری لازم است. «وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى»
۵. اقامه‌ی نماز، به توجه، نشاط، معرفت و اخلاص نیاز دارد. «قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ»
۶. انسان نباید وصله‌ی ناهم‌رنگ هستی باشد. قرآن درباره هستی می‌فرماید: «كُلٌّ لَّهُ قَانِتُونَ»^۲ پس اگر ما قانت نباشیم، وصله ناهم‌رنگ هستی خواهیم بود. «قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ»
۷. ارزش نماز به خضوع آن است. «قَانِتِينَ»

۱. کافی، ج ۳، ص ۳۶۸.

۲. بقره، ۱۱۶.

۱۲. نماز جماعت

وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ (بقره، ۴۳)

و نماز را بپادارید و زکات را بپردازید و همراه با رکوع کنندگان، رکوع نمایید.

نکته ها:

- از نکات اساسی مربوط به نماز، برپایی آن به صورت جماعت است. نماز جماعت پاداش بسیار، برکات فراوان و فواید فردی و آثار اجتماعی بسیار دارد.
- شکوه مسلمانان و موحدان را می‌رساند.
- ذوب شدن «فرد» در «جمع» در یک عبادت توحیدی است.
- مقدمه وحدت و عامل تقویت روح برادری است.
- نماز جماعت، زمینه شناخت افراد و مشکلات و نیازهای آنان است.
- نماز جماعت، بهترین و بیشترین و پاک‌ترین و کم‌خرج‌ترین اجتماعات دنیاست.
- خار چشم دشمنان اسلام است.
- عامل نظم، وحدت صفوف، وقت‌شناسی و مبارزه با فردگرایی و خودخواهی است.

- موجب شسته شدن کینه‌ها و کدورت‌ها و پیدایش روحیه اخوت دینی است.
- مستحب است انسان صبر کند تا نماز را به جماعت بخواند.

پیام‌ها:

۱. اصل فرمان نماز، با جماعت است. «وَأَرْكَعُوا مَعَ الرَّائِعِينَ»
۲. اساس دین بر حضور در اجتماع و دوری از انزوا و گوشه‌نشینی است. «وَأَرْكَعُوا مَعَ الرَّائِعِينَ»
۳. نماز و زکات، در آئین یهود نیز بوده است. (آیه در مورد یهودیان است.) «أَقِمْوَا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ»
۴. رابطه با خدا، از طریق نماز و کمک به خلق خدا، از طریق زکات و همراهی با دیگران، یک مثلث مقدس است. «أَقِمْوَا»، «آتُوا»، «أَرْكَعُوا»

۱۳. نماز جمعه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ
ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ «جمعه، ۹»

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آنگاه که برای نماز روز جمعه ندا داده شد، پس به
سوی یاد خدا (نماز) شتاب کنید و داد و ستد را رها کنید که این برای شما بهتر
است، اگر بدانید.

نکته‌ها:

رسول گرامی اسلام در معراج مشاهده فرمود که فرشتگان برای کسانی که
روز جمعه به نماز جمعه حاضر شوند و غسل جمعه کنند، طلب مغفرت
می‌نمایند و می‌گویند: «اللهم اغفر للذين يحضرون صلاة الجمعة اللهم
اغفر للذين يغتسلون يوم الجمعة»^۱

جایگاه نماز جمعه

اولین اقدام پیامبر اکرم ﷺ پس از هجرت به مدینه، اقامه نماز جمعه بود.
نمازی که دعوت به آن با جمله «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» شروع شده است.

۱. مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۹۱.

نمازی که با جمله «فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ» مردم به اقامه آن ترغیب شده‌اند. نمازی که فرمان ترک داد و ستد را به همراه دارد.

نمازی که در روایات، هم وزن حج شمرده شده است. «عليك بالجمعة فانها حج المساكين»^۱

نمازی که بعد از خطبه‌اش دعا مستجاب می‌شود.^۲

نمازی که با تکیه امام جمعه به اسلحه اقامه می‌شود.

نمازی که سبک شمردن و استخفاف آن، نشانه‌ی نفاق شمرده شده است.

نمازی که در آن امام جمعه باید مردم را به تقوا سفارش کند.

نمازی که در آن مردم از مسایل جهان آگاه می‌شوند.

نمازی که باید به جماعت برگزار شود و نمی‌توان آن را فردی خواند.

نمازی که سفارش شده تسهیلات لازم برای حضور زندانیان مالی در آن فراهم شود.^۳

نمازی که سزاوار است سفر به خاطر حضور در آن به تأخیر افتد. حضرت علی علیه السلام در نامه‌ای به حارث همدانی می‌فرماید: روز جمعه مسافرت مکن تا در نماز حاضر شوی مگر سفری که در راه خدا باشد و یا کاری که به انجام

۱. تهذیب، ج ۳، ص ۲۳۷.

۲. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۴۶.

۳. همان، ص ۳۶.

آن معذوری.^۱

نمازی که سفارش شده از روز قبل، خود را برای حضور در آن آماده کنید. حضرت علی علیه السلام از اینکه روز پنج شنبه دارویی مصرف کنند که سبب ضعف (و عدم شرکت در نماز) در روز جمعه شود، مردم را نهی می فرمودند^۲ و امام باقر علیه السلام در وصف یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: آنان از روز پنج شنبه خود را برای نماز جمعه آماده می کردند.^۳

نمازی که ثواب شرکت در آن برای مسافر، بیش از ثواب افرادی است که مقیم همان شهرند.^۴

نمازی که یک شب مانده به انجام آن، به تلاوت آیات آن سفارش شده است. در روایات سفارش شده که در نماز مغرب شب جمعه، سوره جمعه تلاوت شود که به نوعی تذکر و یادآوری و آماده شدن برای نماز جمعه است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر قدمی که مؤمن به سوی نماز جمعه بر می دارد، خداوند هول و هراس روز قیامت را از او کم می کند.^۵

نماز جمعه کفّاره گناهانی است که انسان در طول هفته انجام می دهد، البته

۱. نهج البلاغه، نامه ۶۹.

۲. بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۱۹۷.

۳. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۴۶.

۴. همان، ص ۳۶.

۵. مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۴۲.

مادامی که گناهان کبیره را رها کند.^۱

کسی که کارگری را اجیر کرده او را از رفتن به نماز جمعه باز ندارد که گناه می‌کند.^۲

هرکس سه جمعه پی در پی بدون عذر موجه نماز جمعه را ترک نماید، نام او به عنوان منافق ثبت می‌شود. «من ترك الجمعة ثلاثة متتابعة لغير علة كتب منافقا»^۳

و در روایت دیگری می‌خوانیم هر کس به غیر از بیماری و عذر موجه دیگری سه جمعه در نماز جمعه حضور نیابد، خداوند بر قلب او مهر می‌زند.^۴ هر کس نتوانست در نماز جمعه شرکت کند، پس مبلغی را صدقه دهد (تا کفاره‌ی عدم حضور او در نماز جمعه باشد).^۵

رسول گرامی اسلام ﷺ فرمود: هر کس در زمان حیات و یا پس از مرگ من، نماز جمعه را از روی انکار یا استخفاف و سبک شمردن ترک کند، خداوند کارش را جمع نمی‌کند، در امورش برکت قرار نمی‌دهد و حج و صدقه او قبول نیست، مگر آن که توبه کند.^۶

۱. بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۲۵۶.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۷.

۳. همان، ج ۸، ص ۴۰۷.

۴. کنز العمال، حدیث ۲۱۱۴۷.

۵. همان، حدیث ۲۱۱۳۹.

۶. مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۱۰.

هنگامی که امام جمعه برای خواندن خطبه می‌ایستد، بر مردم لازم است که سکوت کنند^۱ و نماز نخوانند^۲ و با ادب بنشینند.^۳

پیام‌ها:

۱. برای دعوت مردم به عبادت باید بسترسازی کرد. (در ابتدای سوره قبل از دستور به شرکت در نماز جمعه، سخن از تسبیح موجودات است.) يُسَبِّحُ لِلَّهِ ... فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ

۲. برای دعوت مردم، آنان را با احترام و نام نیک یاد کنیم. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»

۳. حضور در نماز جمعه، نشانه ایمان است. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ ...

۴. نماز، مایه‌ی ذکر خدا است. إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ ... فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ

۵. برای حضور در نماز جمعه، شتاب کنید. «لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا»

۶. برای حضور در نماز جمعه، باید موانع موجود را برطرف کرد. «وَذَرُوا الْبَيْعَ» (رها کردن کسب و کار و تجارت از باب نمونه است و گرنه همه کارها را باید در هنگام نماز، رها کرد و در نماز جمعه حضور یافت.)

۷. خداوند که فرمان ترک تجارت می‌دهد، آن را با وعده‌های حق جبران می‌کند. «ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ»

۱. بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۲۵۶.

۲. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۹.

۳. کنز العمال، ج ۷، ص ۷۴۶.

۸. نشانه علم واقعی، انتخاب بهترین‌ها در هر زمان است. «ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ»

۹. در تربیت دینی، هم تشویق لازم است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»

هم فرمان لازم است. «فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ»

هم نهی لازم است. «ذَرُوا الْبَيْعَ»

هم استدلال لازم است. «ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ»

۱۴. نماز در سفر

وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا أَعْدَاؤُكُمْ وَأُمَمٌ (نساء، ۱۰۱)

و هر گاه که در زمین سفر کنید، گناهی بر شما نیست که نماز را کوتاه کنید، اگر بیم دارید که کافران به شما آزار و ضرر رسانند. همانا کافران همواره دشمن آشکار شمایند.

نکته‌ها:

این آیه حکم نماز مسافر را بیان می‌کند.

«صَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ» کنایه از سفر است، چون مسافر هنگام سفر، زمین را زیر پای خود می‌کوبد.^۱

در قرآن، گاهی به جای «وجوب» تعبیر «مانعی ندارد» به کار رفته، که این آیه نیز یکی از آن موارد است. گویا مسلمانان صدر اسلام به قدری به نماز علاقمند بودند که کوتاه کردن آن را گناه می‌پنداشتند.

نماز قصر، مخصوص موارد ترس از دشمن نیست. ولی چون معمولاً در

۱. مفردات راغب، ماده «ضرب».

سفرها، بیم و نگرانی هست، یا اینکه چون قانون نماز قصر، ابتدا در موارد ترس بوده و بعدها نسبت به هر سفر تعمیم یافته، قید «إِنْ خِفْتُمْ» آمده است. در روایات مقدار سفری که در آن نماز کوتاه و شکسته می‌شود، مسیر یک روز (هشت فرسخ) مشخص شده است.^۱

تمام نمازهای مسافر جز نماز مغرب دو رکعتی است.^۲ و مراد از کوتاه کردن نماز، دو رکعتی شدن نمازهای چهار رکعتی است.

پیام‌ها:

۱. واقع بینی و انعطاف‌پذیری، یک اصل در قوانین الهی است. «تَقْصِرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ...»

۲. در حال نماز هم از دشمن غافل نباشید. سیاست و دیانت، عبادت و فطانت از هم جدا نیست. «إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ»

۳. حتی به هنگام احتمال خطر، اقامه نماز واجب است. «إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ..»

۱. تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۰۷.

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۷۹.

۱۵. اخلاص در نماز

قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (انعام، ۱۶۲)

بگو: همانا نماز من و عبادات من و زندگی من و مرگ من برای خداوند، پروردگار جهانیان است.

نکته‌ها:

روایت شده که رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در آستانه‌ی نماز این آیه را می‌خواند.^۱

پیام‌ها:

۱. راه و روش و هدف خود را در برابر راههای انحرافی، با صراحت و افتخار اعلام کنیم. «قُلْ»

۲. با آنکه نماز، جزو عبادات است، ولی، جدا ذکر شده تا اهمیت آن را نشان دهد. «صَلَاتِي وَنُسُكِي»

۳. انسان‌های مخلص، مسیر تکوینی (مرگ و حیات) و مسیر تشریعی خود (نماز و نُسُک) را فقط برای خداوند عالمیان می‌دانند. «إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ»

۱. تفسیر قرطبی.

۴. آن گونه که در نماز قصد قربت می‌کنیم، در هر نفس کشیدن و زنده بودن و مردن هم می‌توان قصد قربت کرد. «مَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ...»
۵. مرگ و حیات مهم نیست، مهم آن است که آنها برای خدا و در راه خدا باشد. «مَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ»
۶. آنچه برای خدا باشد، رشد می‌کند. «لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»
۷. مرگ و زندگی دست ما نیست، ولی جهت دادن به آن دست ماست. «لِلَّهِ»

۱۶. نماز خاشعانه، اولین ویژگی مومنان

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ﴿۱﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (مؤمنون، ۱-۲)
قطعاً مؤمنان رستگار شدند. همان کسانی که در نمازشان خشوع دارند.

نکته‌ها:

کلمه‌ی «فلاح» به معنای رستن است، شاید دلیل اینکه به کشاورز، «فلاح» می‌گویند آن باشد که وسیله‌ی رستن دانه را فراهم می‌کند. دانه که در خاک قرار می‌گیرد با سه عمل خود را نجات می‌دهد و به فضای باز می‌رسد:

اول آنکه ریشه‌ی خود را به عمق زمین بند می‌کند.

دوم اینکه مواد غذایی زمین را جذب می‌کند.

سوم آنکه خاک‌های مزاحم را دفع می‌کند.

آری، انسان هم برای رهایی خود و رسیدن به فضای باز توحید و نجات از تاریکی‌های مادیات و هوس‌ها و طاغوت‌ها باید مثل دانه همان سه عمل را انجام دهد: اول ریشه‌ی عقاید خود را از طریق استدلال محکم کند. دوم از امکانات خدادادی آنچه را برای تکامل و رشد معنوی اوست جذب کند. سوم تمام دشمنان و مزاحمان را کنار زند و هر معبودی جز خدا را با کلمه «لا اله» دفع کند تا به فضای باز توحیدی برسد.

شخصی در حال نماز با ریش خود بازی می‌کرد، پیامبر اکرم (صلوات الله علیه) فرمود: اگر او در دل خشوع داشت، در عمل این گونه نماز نمی‌خواند.^۱
امام صادق علیه السلام فرمود: مراد از خشوع در نماز، فرونهادن چشم است.^۲

پیام‌ها

۱. رستگاری مؤمنان حتمی است. «قَدْ أَفْلَحَ»
۲. ایمان، شرایط و نشانه‌هایی دارد. «الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ» ...
۳. نماز، در رأس برنامه‌های اسلامی است. «فِي صَلَاتِهِمْ»
۴. در نماز، حالت و کیفیت مهم است. «خَاشِعُونَ»

۱. تفسیر کنز الدقائق.

۲. بحار، ج ۸۱، ص ۳۶۴.

۱۷. نماز آگاهانه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ (نساء، ۴۳)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حال مستی به نماز نزدیک نشوید، تا آنکه بدانید
چه می‌گویید.

نکته‌ها:

چون تحریم شراب، در صدر اسلام به صورت تدریجی انجام گرفت. ابتدا شراب به عنوان نوشابه نامطلوب معرفی شد «وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَ الْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا»^۱ سپس این آیه نازل شد^۲ و نماز در حال مستی را نهی کرد، آن گاه زیان آن را بیش از منافعش دانست، «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا»^۳ سپس از مصرف آن به عنوان عنصری پلید و شیطانی نهی شد. «إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمَيْسِرُ»، «رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ»^۴ در روایات آمده که

۱. نحل، ۶۷.

۲. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۲.

۳. بقره، ۲۱۹.

۴. مائده، ۹۰.

از نماز در حالت خواب آلودگی و کسالت و سنگینی پرهیز کنید. آیات دیگر نیز، نماز از روی کسالت را از نشانه‌های منافقان دانسته است.^۲

پیام‌ها:

۱. مقام نماز به حدی رفیع است که شرابخوار نباید به آن نزدیک شود. «لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى»

۲. در نماز، تنها اذکار و حرکات کافی نیست، توجه و شعور لازم است. «حَتَّى تَعْلَمُوا...»

۳. عبادات ناآگاهانه، بی‌ارزش است، گرچه تکلیف را ساقط می‌کند. «حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ»

....→

۱. کافی، ج ۳، ص ۳۷۱.

۲. نساء، ۱۴۲ و توبه، ۵۴.

۱۸. محافظت از نماز

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (مومنون، ۹)
و آنان بر نمازهای خود مواظبت دارند.

پیام‌ها:

۱. نماز، نیازمند مواظبت و پاسداری است.
۲. از همه نمازها باید مواظبت کرد. (فرموده صلوات)
۳. شیاطین به نماز طمع می‌کنند پس لازم است آن را محافظت نمود.

۱۹. کمک گرفتن از نماز

وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّهَا الْكَبِيرَةُ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ (بقره، ۴۵)
و از صبر و نماز یاری جوید و این کار جز برای خاشعان، گران و سنگین است.

نکته‌ها:

در روایات می‌خوانیم که حضرت علی علیه السلام هر گاه مسئله‌ی مهمی برایشان رخ می‌داد به نماز می‌ایستادند و این آیه را تلاوت می‌کردند.

پیام‌ها:

۱. صبر و نماز، دو اهرم نیرومند در برابر مشکلات است. «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ»
۲. هر چه در آستان خدا اظهار عجز و بندگی بیشتر کنیم، امدادهای او را بیشتر دریافت کرده و بر مشکلات پیروز خواهیم شد. «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»
۳. استعانت از خداوند در آیه‌ی «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» منافاتی با استعانت از آنچه به دستور اوست، ندارد. «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ»
۴. سنگین بودن نماز، نشانه‌ی تکبر در برابر خداست. «لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ»

۲۰. نماز و حمایت خداوند

وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَآئِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (مائده، ۱۲)

و به تحقیق خداوند از بنی اسرائیل پیمان گرفت، و از میان آنان دوازده سرپرست (برای دوازده طایفه) برانگیختیم، و خداوند (به آنان) فرمود: من با شمایم، اگر نماز به پا دارید و زکات بپردازید و به پیامبرانم ایمان آورده و یاری‌شان کنید و به خداوند وامی نیکو دهید، قطعاً گناهانتان را می‌پوشانم و شما را به باغ‌هایی وارد می‌کنم که نه‌رها زیر (درختان) آن جاری است. پس از این، هر کس از شما کافر شود، به راستی از راه راست منحرف گشته است.

نکته‌ها:

«عَزَّرْتُمُوهُمْ» از «عزز»، به معنای یاری کردن همراه با احترام است.
«سَوَاءَ السَّبِيلِ»، به وسط راه را می‌گویند که انحراف از آن، سقوط را به همراه دارد.

نقبای بنی اسرائیل، وزرای حضرت موسی علیه السلام و سرپرستان دوازده طایفه از

آنان بودند. از رسول خدا ﷺ روایت است که فرمود: خلفای پس از من دوازده نفرند، به تعداد نقبای بنی اسرائیل.^۱ مخالفان راه اهل بیت، بسیار کوشیدند که این عدد را بر خلفای راشدین، خلفای بنی امیه و خلفای بنی عباس منطبق سازند، با اینکه با هیچ کدام جور در نمی‌آید. و این تلاش بیهوده در حالی است که دهها حدیث از زبان پیامبر خدا ﷺ که نام این دوازده تن را در بردارد، در کتب معتبر شیعه و سنی به چشم می‌خورد که نخستین آنان علی علیه السلام و آخرینشان حضرت مهدی علیه السلام است.

پیام‌ها:

۱. نماز، زکات، یاری انبیا و انفاق، در برنامه‌های ادیان الهی دیگر نیز بوده است.
«مِيثَاقُ بَنِي إِسْرَائِيلَ ...»
۲. همراهی خداوند با ما چند شرط دارد: نماز، زکات، ایمان، نصرت انبیا، انفاق.
«إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَ ...»
۳. ایمان به انبیا به تنهایی کافی نیست، یاری آنان هم لازم است. «وَعَزَّزْتُهُمْ»
۴. انجام همه‌ی واجبات کارساز است، نه فقط بعضی از آنها. («لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ» ... «وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ»)
۵. کمک به خلق خدا، کمک به خداست. «أَقْرَضْتُمُ اللَّهَ» به جای «اقرضتم الناس»

۱. مسند أحمد بن حنبل، ج ۱، ص ۳۹۸.

۶. قرض دادن باید به شیوه‌ای نیکو باشد. (از مال خوب با نیت خوب با سرعت و بدون منت.) «قَرْضًا حَسَنًا»

۷. قرار گرفتن موضوع قرض در کنار اموری مانند: نماز و زکات و ایمان به رُسل و یاری انبیا، و ترتب مغفرت و پاداش الهی بر آن، نشانگر اهمیت فوق‌العاده‌ی آن است. (قرض، شامل عموم کمک‌ها می‌شود که نمونه‌ی روشن و معمولی آن، وام دادن به مردم است.)

۸. رهبر جامعه باید از سوی خدا تعیین شود، و برگزیدگان انبیا هم باید به فرمان خداوند باشند. «بَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا»

۹. نماز و زکات و انفاق، در کنار پذیرش و یاری رهبران الهی مفهوم دارد. «أَقِمُّوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَآمِنُوا بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ»
۱۰. رهبر، اگر از خود مردم باشد، موفق است. «بَعَثْنَا مِنْهُمُ»

۱۱. بهشت را به «بها» دهند، نه بهانه. اگر نماز، زکات، ایمان، امداد و انفاق بود، بهشت هم هست. «لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ» ... «لَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ»

۱۲. بهشت، جای آلودگان نیست، ابتدا باید پاک شد، آن گاه به بهشت رفت. «لَا تُكْفِرَنَّ» ... «لَأُدْخِلَنَّكُمْ»

۱۳. راه دستیابی به عفو خدا، ایمان و عمل صالح است. («لَئِنْ»، «آمَنْتُمْ» ... «وَأَقْرَضْتُمُ» ... «لَا تُكْفِرَنَّ»)

۱۴. بعد از اخذ میثاق و اتمام حجت و بیان شرایط دریافت الطاف الهی، راه عذر و بهانه برای کسی نیست. «فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ»

۱۵. هر کس به دستورهای الهی کفر ورزد، از مسیر اعتدال خارج شده است. (فَمَنْ كَفَرَ... فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ) (آری، اقامه‌ی نماز، پرداخت زکات، ایمان به انبیا و وفاداری به پیمان‌ها، راه میانه است که نافرمانان آن را گم کرده‌اند).

۲۱. نماز و صبر

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (بقره، ۱۵۳)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در برابر حوادث سخت زندگی،) از صبر و نماز کمک بگیرید، همانا خداوند با صابران است.

نکته‌ها:

در این آیه به مسلمانان دستور داده می‌شود تا در برابر حوادث سخت زندگی، از صبر و نماز یاری بجویند. آری، دردهای یکسان، داروی یکسان لازم دارد.

اصولاً انسان محدود، در میان مشکلات متعدّد و حوادث ناگوار، اگر متصل به قدرت نامحدود الهی نباشد، تلاشی و منکوب می‌شود. و انسان مرتبط با خداوند، در حوادث و سختی‌ها، خود را نمی‌بازد و برای او حوادث، بزرگ نمی‌نماید. کسی که نماز را با حضور قلب و با توجّه می‌خواند، به معراج می‌رود.

هر چه پرواز معنوی او بیشتر باشد و بالاتر رود، دنیا و مشکلات آن و حتی خوشی‌های آن کوچکتر می‌شود.

صبر، مادر همه کمالات است. صبر در جنگ، مایه شجاعت است. صبر در

برابر گناه، وسیله تقواست. صبر از دنیا، نشانه زهد است. صبر در شهوت، سبب عفت است. صبر در عبادت، موجب طاعت، و صبر در شبهات، مایه‌ی وَرَع است.^۱

پیام‌ها:

۱. ایمان اگر همراه با عمل و توکل و صبر و عبادت باشد، کاربرد بیشتری خواهد داشت. «الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ»
۲. نماز اهرم است، بار نیست. «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ»
۳. صبر و نماز، وسیله‌ی جلب حمایت‌های الهی هستند. «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»
۴. اگرچه خداوند با هر کس و در هر جایی حضور دارد «هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ»^۲ و لکن همراهی خدا با صابران، معنای خاصی دارد و آن لطف، محبت و یاری رسانی خداوند به صابران است. «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»

۱. تفسیر اُطیب البیان، ج ۲، ص ۲۵۸.

۲. حدید، ۴.

۲۲. نماز و آرامش

الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (رعد، ۲۸)
(هدایت شدگان) کسانی هستند که ایمان آورده و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد. بدانید که تنها با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد.

نکته‌ها:

یاد خدا تنها به ذکر زبانی نیست، اگر چه یکی از مصادیق روشن یاد خداست. زیرا آنچه مهم است یاد خدا بودن در تمام حالات خصوصاً در وقت گناه است.

یاد خداوند برکات بسیار دارد، از جمله:

الف: یاد نعمت‌های او، عامل شکر اوست.

ب: یاد قدرت او، سبب توکل بر اوست.

ج: یاد الطاف او، مایه محبت اوست.

د: یاد قهر و خشم او، عامل خوف از اوست.

ه: یاد عظمت و بزرگی او، سبب خشیت در مقابل اوست.

و: یاد علم او به پنهان و آشکار، مایه حیا و پاکدامنی ماست.

ز: یاد عفو و کرم او، مایه امید و توبه است.

ح: یاد عدل او، عامل تقوا و پرهیزکاری است.

انسان، بی‌نهایت طلب است و کمال مطلق می‌خواهد ولی چون هر چیزی غیر از خداوند محدود است و وجود عارضی دارد، دل را آرام نمی‌گرداند. در مقابل کسانی که با یاد خدا آرامش می‌یابند، عده‌ای هم به متاع قلیل دنیا راضی می‌شوند. «رَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأْنَنُوا بِهَا»

نماز، ذکر الهی و مایه آرامش است. «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»^۱، «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ»

ممکن است معنای «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» این باشد که بواسطه ذکر و یادى که خدا از شما می‌کند، دل‌هایتان آرام می‌گیرد. یعنی اگر بدانیم خداوند ما را یاد می‌کند و ما در محضر او هستیم، دل‌هایمان آرامش می‌یابد. چنان که حضرت نوح علیه السلام بواسطه کلام الهی «اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا»^۲ آرام گرفت و امام حسین علیه السلام به هنگام شهادت علی اصغرش با عبارت «هین علی انه بعین الله» این آرامش را ابراز فرمود، و یا در دعای عرفه آمده است: «یا ذاکر الذاکرین»

سؤال: اگرچه در این آیه آمده است که دل‌ها، و بویژه دل مؤمن، با یاد خدا آرام می‌گیرد، اما در آیات دیگری می‌خوانیم هر گاه مؤمن خدا را یاد کند،

۱. طه، ۱۴.

۲. هود، ۳۷.

دلش به لرزه می‌افتد. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ»^۱ آیا این لرزش و آرامش می‌توانند در یک جا جمع شوند؟ راه توجیه آن چیست؟ پاسخ: برای تصوّر وجود این همزمان آرامش و لرزش در یک فرد، توجّه به این مثال‌ها راهگشا می‌باشد:

الف: گاهی انسان بخاطر وجود همه مقدمات، اطمینان و آرامش دارد، اما در عین حال از نتیجه هم نگران و بیمناک است. مثل جراح متخصصی که به علم و کار خود مطمئن است ولی باز در هنگام عمل شخصیت مهمی دلهره دارد.

ب: فرزندان، هم به وجود والدین، احساس آرامش می‌کنند و هم از آنها حساب می‌برند و می‌ترسند.

ج: گاهی انسان از آنجا که می‌داند فلان ناگواری برای آزمایش و رشد و ترفیع مقام اوست، خرسند و آرام است، اما اینکه آیا در انجام وظیفه موفق خواهد شد یا خیر، او را نگران می‌کند و به لرزه می‌اندازد.

د: انسان‌های مؤمن وقتی در تلاوت قرآن به آیات عذاب، دوزخ و قهر الهی می‌رسند، لرزش بر اندام آنها مستولی می‌شود، اما هنگامی که آیات رحمت و رضوان و بهشت خداوند را قرائت می‌کنند، آرامشی شیرین، قلوب آنها را فرا می‌گیرد و آنها را دلگرم می‌سازد. امام سجاده علیه السلام در دعای ابو حمزه می‌فرماید: «اذا ذكرت ذنوبی فزعت و اذا رأيت كرمك طمعت»، یعنی هر گاه گناهان خود و عدل و قهر تو را به یاد می‌آورم، ناله می‌زنم، اما وقتی به

یاد لطف و عفو تو می‌افتم امیدوار می‌شوم. صاحب المیزان برای این جمله، از قرآن شاهد می‌آورد «تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ»^۱ یعنی در آغاز انسان دلهره دارد ولی کم‌کم به آرامش می‌رسد.

کسی که از یاد خدا غافل است، آرامش ندارد و زندگی بدون آرامش زندگی نکبت باری است. «مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا»^۲

عوامل آرامش و دلگرمی

دستیابی به اطمینان و آرامش می‌تواند عوامل گوناگونی داشته باشد، ولی در رأس آنها آگاهی و علم جلوه ویژه‌ای دارد کسی که می‌داند ذره‌ی مثقالی از کارش حساب دارد، «مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ»^۳ نسبت به تلاش و فعالیتش دلگرم است.

کسی که می‌داند بر اساس لطف و رحمت الهی آفریده شده، «إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ»^۴ امیدوار است.

کسی که می‌داند خداوند در کمین ستمگران است، «إِنَّ رَبَّكَ لَبَازِلٌ صَادٍ»^۵ آرامش دارد.

۱. زمر، ۲۳.

۲. طه، ۱۲۴.

۳. زلزال، ۷.

۴. هود، ۱۱۹.

۵. فجر، ۱۴.

کسی که می‌داند خداوند حکیم و علیم است و هیچ موجودی را بی‌هوده خلق نکرده است «عَلِيمٌ حَكِيمٌ» خوش‌بین است.

کسی که می‌داند راهش روشن و آینده‌اش بهتر از گذشته است، «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى»^۱ قلبش مطمئن است.

کسی که می‌داند امام و رهبرش انسانی کامل، انتخاب شده از جانب خداوند و معصوم از هر لغزش و خطاست، «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا»^۲ آرام است.

کسی که می‌داند کار نیک او از ده تا هفتصد بلکه تا بی‌نهایت برابر پاداش دارد ولی کار زشت او یک لغزش بحساب می‌آید دلخوش است. «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ»^۳

کسی که می‌داند خداوند نیکوکاران را دوست دارد، «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»^۴ به کار نیکش دلگرم می‌شود.

کسی که می‌داند کار خیرش آشکار و کار شرّش پنهان می‌ماند، «يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ» شاد است.

۱. اعلی، ۱۷.

۲. بقره، ۱۲۴.

۳. همان، ۲۶۱.

۴. همان، ۱۹۵.

عوامل اضطراب و نگرانی

یکی از شایع‌ترین بیماری‌های قرن حاضر اضطراب و افسردگی است. برای این بیماری که دارای علائمی همچون انزوای طلبی، در خود فرو رفتن، خودکام‌بینی و بیهوده انگاری است، دلایل بسیاری را ذکر کرده‌اند، از جمله:

شخص افسرده از اینکه همه چیز را مطابق میل خود نمی‌بیند دارای افسردگی شده است، در حالی که ما نباید بخاطر اینکه چون به همه آنچه می‌خواهیم نرسیدیم، از مقدار ممکن آن هم دست برداریم و تسلیم شویم.

شخص افسرده با خود فکر می‌کند که چرا همه مردم مرا دوست ندارند، و حال آنکه این امر غیر ممکن است و حتی خدا و جبرئیل هم دشمن دارند. لذا انسان نباید توقع داشته باشد که همه او را دوست بدارند.

شخص افسرده گمان می‌کند که همه مردم بد هستند، در صورتی که چنین نیست و خداوند به فرشتگانی که این توهم را داشتند پاسخ داد.

شخص افسرده گمان می‌کند که همه ناگواری‌ها از بیرون وجود اوست، در حالی که عمده تلخی‌ها عکس العمل و پاسخ خصلت‌ها و کردارهای خود ماست.

شخص مضطرب از شروع در کارها نگران است و احساس ترس و تنهایی می‌کند. حضرت علی علیه السلام برای رفع این حالت می‌فرماید: «إذا خفت من شيء فقع فيه»^۱ از هر چه می‌ترسی خود را در آن بینداز، که ترس هر چیز

۱. بحار، ج ۷۱، ص ۳۶۲.

بیش از خود آن است.

شخص مضطرب نگران آنست که آینده چه خواهد شد. این حالت را می‌توان با توکل بر خدا و پشتکار درمان کرد.

چون در بعضی کارها ناکام شده است، نگران است که شاید در تمام امور به این سرنوشت مبتلا شود.

چون بر افراد و قدرت‌های ناپایدار تکیه دارد، با تزلزل آنها دچار اضطراب می‌شود.

و خلاصه اموری همچون عدم قدردانی مردم از زحمات آنها، گناه، ترس از مرگ تلقین‌های خانواده به اینکه نمی‌دانی و نمی‌توانی، قضاوت‌های عجولانه، توقّعات نابجا و تصوّرات غلط، علت بسیاری از افسردگی‌ها و اضطراب‌ها می‌باشد که با یاد خدا و قدرت و عفو و لطف او می‌توان آنها را به آرامش و شادابی مبدل ساخت.

پیام‌ها

۱. نشانه انابه واقعی، ایمان و اطمینان به خداست. «مَنْ أَنَابَ، الَّذِينَ آمَنُوا» ...
۲. ایمان بدون اطمینان قلبی، کامل و کارساز نیست. «آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ»
۳. یاد خداوند با زبان کفایت نمی‌کند، اطمینان قلبی هم می‌خواهد. «تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ»
۴. تنها یاد خدا، مایه‌ی آرامش دل می‌شود. «بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» امروزه دارندگان زر و زور و تزویر بسیارند ولی از آرامش لازم خبری نیست.

۲۳. نماز و افزایش ظرفیت‌ها

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا إِلَّا الْمُصَلِّينَ «معارج، ۲۲-۱۹»

همانا انسان، بی‌تاب و حریص آفریده شده است. هرگاه بدی به او رسد، نالان است. و هرگاه خیری به او رسد، بخیل است. مگر نمازگزاران.

نکته‌ها:

«هلوع» به معنای انسان بی‌صبر و حریص است.

پیام‌ها:

۱. نشانه حریص بودن دو چیز است: جَزَع به هنگام سختی و بُخَل به هنگام کامیابی. «هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا»
۲. ریشه بسیاری از ناهنجاری‌ها، حرص و بخل است. جَزُوعًا ... مَنُوعًا
۳. انسان بسیار کم ظرفیت است، با تماس با سختی فریاد می‌زند و بخل می‌ورزد. مَسَّهُ ... مَسَّهُ
۴. راه نجات از اخلاق ناپسند، مداومت به نماز است. خُلِقَ هَلُوعًا ... إِلَّا الْمُصَلِّينَ
۵. طبع مادی انسان به سوی حرص و بخل میل دارد و نماز و یاد خدا آن را مهار می‌کند. إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا ... إِلَّا الْمُصَلِّينَ
۶. انسان بدون نماز مضطرب است. جَزُوعًا ... مَنُوعًا ... إِلَّا الْمُصَلِّينَ

۲۴. نماز و قرآن

وَالَّذِينَ يُسْكِنُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصَلِّينَ (اعراف، ۱۷۰)
و کسانی که به کتاب (آسمانی) تمسک می‌جویند و نماز را به پا داشته‌اند (بدانند که ما) قطعاً پاداش اصلاحگران را تباه نخواهیم کرد.

نکته‌ها:

در روایات آمده است که این آیه بیانگر ویژگی‌های اهل بیت علیهم‌السلام و شیعیان آنان می‌باشد.^۱

با اینکه نماز، جزو محتوای کتاب آسمانی است، ولی به دلیل اهمیت آن، به طور جداگانه ذکر شده است، زیرا نماز ستون دین است و اقامه‌ی دین بستگی به آن دارد. چنان که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «الصلاة عمود الدين»^۲ و یا در جای دیگر فرمودند: هر چیزی دارای وجه و صورتی است و سیمای دین شما نماز است، پس نباید سیمای دین خودتان را خراب کنید. «و وجه دینکم

۱. تفسیر اثنی‌عشری.

۲. تفسیر اثنی‌عشری التهذیب، ج ۲، ص ۲۳۷.

الصلاة فلا يشين احدكم وجه دينه^۱

پیام‌ها:

۱. تلاوت، حفظ، چاپ و نشر کتاب آسمانی، کافی نیست، بلکه باید به آن عمل کرد تا نجات‌بخش باشد. «يُمَسِّكُونَ» (چنان که عمل به نسخه‌ی پزشک، تنها راه درمان است).

۲. در ادیان و کتاب‌های آسمانی گذشته نیز نماز بوده است. «أَقَامُوا الصَّلَاةَ»
 ۳. افراد بی‌نماز و جاهل به کتاب خدا، نمی‌توانند مصلح کامل باشند. «يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ» ... «أَقَامُوا الصَّلَاةَ» ... «الْمُصْلِحِينَ»
 ۴. دین علاوه بر آثار اخروی، در اصلاح زندگی دنیوی نیز نقش دارد. «الْمُصْلِحِينَ»

۵. اقامه‌ی نماز، وسیله اصلاح جامعه است. «أَقَامُوا الصَّلَاةَ»، «الْمُصْلِحِينَ»
 (اقامه یعنی اهتمام کامل به برپایی نماز در تمام شئون زندگی، نه صرف خواندن نماز)

۶. اصلاح واقعی دو شرط و محور دارد: تمسک به قانون الهی و رابطه‌ی استوار با خدا از طریق اقامه‌ی نماز. (تمام آیه)

۱. تفسیر فرقان کافی، ج ۳، ص ۲۷۰.

۲۵. تلاوت قرآن، نماز و انفاق راه رسیدن به تجارت پرسود

إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ (فاطر، ۲۹)

همانا کسانی که کتاب خدا را تلاوت می‌کنند و نماز بر پا می‌دارند و از آن چه ما روزیشان کرده‌ایم، پنهان و آشکار انفاق می‌کنند، به تجارتی دل بسته‌اند که هرگز زوال نمی‌پذیرد.

نکته‌ها:

«تَبُورَ» از «بوار» به معنای کساد می‌باشد در تجارت است. از آنجا که این امر موجب فساد و نابودی است به هلاکت هم بوار گفته می‌شود.

امتیازات تجارت با خدا

۱. آنچه از سرمایه داریم، (سلامتی، علم، عمر، آبرو، مال و ...) از اوست پس به خود او بفروشیم. آری، اگر فرزندی زمین و مصالح و پولی از پدر گرفت و منزلی ساخت بعد افرادی خریدار منزلش شدند که یکی از آنان همان پدر بود، عقل و وجدان می‌گوید خانه رای به پدر بفروشد، زیرا خود فرزند و تمام دارایی‌هایش از اوست و فروش به بیگانه جوانمردی نیست.

۲. خداوند به بهای بهشت ابدی می‌خرد، ولی دیگران هر چه بخرند، ضرر

و خسارت است، چون ارزان می‌خرند و زودگذر است.

۳. خداوند کم رای می‌پذیرد، «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ» ولی دیگران کم را نمی‌پذیرند.

۴. خداوند، از روی عفو و اغماض، عیب جنس را می‌پوشاند و با همان نواقص می‌خرد. در دعای بعد از نماز می‌خوانیم: خداوند! اگر در رکوع و سجود نمازم خلل و نقصی است نادیده بگیر و نمازم را قبول فرما. در دعای ماه رجب می‌خوانیم: «خاب الوافدون علی غیرک و خسر- المتعرضون الا لك»^۱ یعنی باختند کسانی که در خانه غیر تو آمدند و خسارت کردند کسانی که به سراغ دیگران رفتند.

پیام‌ها:

۱. تلاوت قرآن (گرچه مستحب است)، اما قبل از واجبات آمده است. «يَتْلُونَ... أَقَامُوا... أَنْفَقُوا»
۲. نماز، باید با رسیدگی به محرومان همراه باشد. «أَقَامُوا... أَنْفَقُوا»
۳. اگر توجه داشته باشیم که دارایی‌های ما از خداوند است، در انفاق، بخل نمی‌ورزیم. «أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ»
۴. بخشی از داده‌ها انفاق شود، باقی برای خودتان است. «مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ» (کلمه «من» به معنای بعضی است)

۱. مفاتیح الجنان.

۵. مورد انفاق، تنها مال نیست بلکه از علم و آبرو و قدرت نیز باید به مردم کمک کرد. «مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ»
۶. انفاق، هم سری باشد هم آشکارا. (در انفاق پنهان، خلوص آدمی رشد می‌کند و در انفاق آشکار، مردم تشویق می‌شوند.) «سِرًّا وَ عَلَانِيَةً» البته انفاق مخفیانه برتری دارد، لذا نام آن قبل از انفاق علنی برده شده است. «سِرًّا وَ عَلَانِيَةً»
۷. امید به رستگاری، باید با فکر و عمل و انفاق همراه باشد و گر نه امید بدون کار، پنداری بیش است. «يَتْلُونَ... أَقَامُوا... أَنْفَقُوا... يَرْجُونَ»
۸. در معامله با خدا، حتی یک درصد زیان نیست. «تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ»
۹. در فرهنگ اسلام، دنیا بازار است و انسان فروشنده و نعمت‌های الهی، سرمایه و انتخاب مشتری با انسان است. او می‌تواند با خدا معامله کند و می‌تواند غیر خدا را انتخاب کند.

۲۶. نماز و زکات

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْعُرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ
يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ
حَكِيمٌ (توبه، ۷۱)

مردان و زنان با ایمان، یار و یاور و اولیای یکدیگرند، به معروف (خوبی‌ها) فرمان می‌دهند و از منکرات و بدی‌ها (منکرات) نهی می‌کنند، نماز بر پای داشته، زکات می‌پردازند و از خداوند و پیامبرش پیروی می‌کنند. بزودی خداوند آنان را مشمول رحمت خویش قرار خواهد داد. همانا خداوند، توانای غالب و حکیم است.

نکته‌ها:

در بیش از ۲۰ آیه قرآن نماز و زکات با هم مطرح شده‌اند: «يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ»، «أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ» و در روایات می‌خوانیم: نماز بی‌زکات، قبول نیست. همچون قطار که روی یک ریل حرکت نمی‌کند.

آری، رابطه با خدا (نماز) و رابطه با خلق (زکات)، همچون دو بال برای پرواز معنوی هستند و با یک بال پروازی صورت نمی‌گیرد.

پیامبر ﷺ افرادی را که برای نماز به مسجد می‌آمدند ولی زکات نمی‌پرداختند، از مسجد اخراج کردند.

پیام‌ها:

۱. زن و مرد هر دو، در اصلاح جامعه تأثیر گذارند. «الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ»
۲. مؤمنان در جامعه‌ی اسلامی، نسبت به یکدیگر از طرف خداوند، حق ولایت و نظارت همراه با محبت دارند و بی تفاوت نیستند. «بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ»
۳. امر به معروف و نهی از منکر که بر همه‌ی مردان و زنان با ایمان واجب است، برخاسته از حق ولایت بر یکدیگر است. «بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ... وَ يَنْهَوْنَ»
۴. امر به معروف و نهی از منکر باید از موضع قدرت باشد نه ضعف. «يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»
۵. امر و نهی، در سایه‌ی محبت و ولایت قابل اجراست. «بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ»، «يَأْمُرُونَ...»
۶. توجه به زندگی محرومان و تأمین اجتماعی فقرا، در کنار مسائل عبادی دیگر است. «يُقِيمُونَ»، «يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ...»
۷. ایمان در اصلاح فرد و جامعه، نقش به سزایی دارد. «الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ» ... «يَأْمُرُونَ»، «يَنْهَوْنَ»، «يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ»
۸. امر به معروف و نهی از منکر، اقامه‌ی نماز، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول، وظیفه و عملکرد دائمی مؤمنان است. «يَأْمُرُونَ»، «يَنْهَوْنَ»، «يُقِيمُونَ»، «يُؤْتُونَ»، «يُطِيعُونَ» (فعل مضارع رمز استمرار است)
۹. کسانی که دیگران را به کارهای خوب دعوت می‌کنند، باید خود نیز اهل عمل باشند. «يَأْمُرُونَ»، «يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ»

۱۰. اطاعت از خدا و رسول باید با میل و رغبت باشد. «يُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ»
(اطاعت در لغت به معنای پیروی با میل است)
۱۱. هم اطاعت از خدا در برنامه‌های عبادی لازم است و هم اطاعت از رسول در
برنامه‌های حکومتی. «يُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ»
۱۲. اعمال انسان، زمینه‌ساز رحمت الهی است. «يَأْمُرُونَ»، «يَنْهَوْنَ»، «يُقِيمُونَ»،
«يُؤْتُونَ»، «يُطِيعُونَ»، «سَيَّرَحَّمُهُمُ اللَّهُ»
۱۳. زن و مرد در دریافت رحمت الهی یکسان می‌باشند. «الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ»
... «سَيَّرَحَّمُهُمُ اللَّهُ»

۲۷. نماز و امر به معروف و نهی از منکر

قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَأَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ (هود، ۸۷)

(اما مردم مدین در جواب) گفتند: ای شعیب! آیا نمازت به تو فرمان می‌دهد که (به ما بگویی) آنچه را که پدرانمان می‌پرستیدند رها کنیم؟ (و) یا اینکه (نتوانیم) آن گونه که خود می‌خواهیم، در اموالمان تصرف کنیم؟! تو که مرد بردبار و فهمیده‌ای هستی! (این چه توقعی است که از ما داری؟)

پیام‌ها:

۱. همه‌ی انبیاء علیهم‌السلام با مخالفانی روبرو بوده‌اند. «قَالُوا يَا شُعَيْبُ . . .»
۲. نماز، در ادیان گذشته نیز بوده است. «أَصَلَاتُكَ»
۳. نماز، بارزترین نمود آئین شعیب بوده است. «أَصَلَاتُكَ»
۴. نماز واقعی، انسان را به ارشاد دیگران و امر به معروف و نهی از منکر آنها وامی‌دارد. «أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرُكَ»
۵. تقلید از نیاکان، در مقابل دلیل و نص، سرچشمه‌ی بسیاری از انحرافات است. «يَعْبُدُ آبَاؤُنَا»

۶. دین، نه از سیاست جداست و نه از اقتصاد. «أَصْلَاتُكَ» ... «تَتْرُكُ» ... «فِي أَمْوَالِنَا»

۷. راه انبیا، مانع از آزادی بی قید و شرط است. «نَفْعَلْ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ»

۲۸. نماز و برادری

فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَأِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَنُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ
(توبه، ۱۱)

اما اگر توبه کردند و نماز بر پا داشتند و زکات پرداختند، در این صورت برادران دینی شمايند. و ما آیات خود را برای گروهی که می‌دانند (و می‌اندیشند)، به تفصیل بیان می‌کنیم.

نکته‌ها:

خداوند در آیات قبل فرمود: اگر مشرکان توبه کرده و نماز خواندند و زکات دادند، دیگر متعرض آنان نشوید، «فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ» در این آیه می‌فرماید: نه تنها مزاحمشان نشوید، بلکه گذشته‌ها را فراموش کرده، برادرانه با آنان رفتار کنید.

پیام‌ها:

۱. آنان که تارک نماز و زکاتند، برادران دینی ما نیستند. «فَإِنْ» ... «أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَأِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ»
۲. شرط ورود به دایره‌ی اخوت دینی، نماز و زکات است. «أَقَامُوا» ... «فَأِخْوَانُكُمْ»

۳. اساس روابط و حبّ و بغض یک مسلمان، مکتب است. «فَإِنْ تَابُوا» ...
«فَإِخْوَانُكُمْ»

۴. با نادم و توّاب، برخوردی برادرانه داشته باشید. «فَإِنْ تَابُوا» ... «فَإِخْوَانُكُمْ»

۵. آنان که تا دیروز، واجب القتل بودند، در سایه‌ی توبه و نماز و زکات، حقوق اجتماعی برابر با مسلمانان می‌یابند و جنگ با آنان حرام می‌شود. «فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ»

۲۹. نماز و شهرسازی

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَ الْقَوْمَ كَمَا مِصْرَ يُوتَا وَاجْعَلُوا لِيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا
الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (يونس، ۸۷)

و به موسی و برادرش وحی کردیم که در مصر، برای قوم خودتان خانه‌هایی آماده کنید و خانه‌هایتان را مقابل هم (یا رو به قبله) بسازید و نماز به پا دارید و به مؤمنان بشارت بده (که سرانجام پیروزی با آنهاست).

نکته‌ها:

«قِبْلَةً»، هم به معنای مقابل و رو بروی هم است و هم به معنای جهت کعبه، یعنی خانه‌سازی رو به قبله. شاید معنای این آیه چنین باشد که تا قدرت فرعون باقی است و تصمیم بر نابودی شما دارد، شما مراسم عبادی را در خانه‌هایتان برقرار سازید.^۱ مثل سه سال اول بعثت پیامبر اسلام. بهترین بشارت به مؤمنان در بند، بشارت به استجابت دعایشان است که از تحت ستم فرعونیان و فتنه‌گری‌هایشان نجات یابند.

۱. تفسیر نور الثقلین.

پیام‌ها:

۱. همه‌ی برنامه‌های انبیا حتی روش مسکن‌سازی هم بر اساس دریافت‌های وحی است. «أَوْحَيْنَا» ... «أَنْ تَبُوءَ»
۲. مسکن، یکی از نعمت‌های الهی است. «أَوْحَيْنَا» ... «أَنْ تَبُوءَ»
۳. رهبران دینی باید به مسائل مادی و رفاهی امت هم توجه کنند. «تَبُوءَ لِقَوْمِكُمْ»
۴. منطقه‌ی مسکونی افراد مؤمن باید از کفار جدا باشد، تا زمینه‌ساز عزّت، قدرت و استقلال گروه با ایمان گردد. «تَبُوءَ لِقَوْمِكُمْ بِمِصْرَ بُيُوتًا»
۵. تاریخ شهرسازی تا زمان حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام قطعی است. «تَبُوءَ» ... «بُيُوتًا»
۶. معماری و شهرسازی اسلامی باید با اهداف مکتبی سازگار باشد و جهت قبله فراموش نشود. «وَ اجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً»
۷. به گونه‌ای خانه بسازیم که انجام مراسم مذهبی و اقامه‌ی نماز در آن عملی باشد. «وَ اجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً»
۸. خانه افراد مکتبی باید نمازخانه باشد. «بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً»
۹. خانه‌های مقابل یکدیگر، از نظر تمرکز، حفاظت، نظارت و انس با هم مناسب‌تر است. «وَ اجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً»
۱۰. نگذاریم بیگانگان در محلّه و جامعه‌ی ما رخنه کنند. «اجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً»
۱۱. نماز در رأس برنامه همه‌ی پیامبران و زمینه‌رهایی بوده است. «أَقِمْوا الصَّلَاةَ»

۳۰. نماز و خانواده

وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا (مریم، ۵۵)
و همواره خاندان خود را به نماز و زکات امر می کرد و پیوسته نزد پروردگارش مورد رضایت بود.

پیام‌ها:

۱. پیامبران، علاوه بر مسئولیت اجتماعی، مسئولیت خانوادگی هم دارند. «وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ»
۲. سفارش به نماز و زکات، از وظایف پدر خانواده است. «وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ» (با اینکه سفارش به نماز در خانواده‌ها کم و بیش هست، اما سفارش به زکات نیست).
۳. امر به نماز و زکات، از مصادیق امر به معروف است. «وَ كَانَ يَأْمُرُ»
۴. نماز و زکات، سابقه‌ای بس طولانی دارند. «وَ كَانَ يَأْمُرُ» ...
۵. نماز (ارتباط با خالق) و زکات (ارتباط با مخلوق)، از هم جدا نیست. (عبادت بدنی به تنهایی شرط کمال نیست). «بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ»
۶. در امر به معروف و توصیه به نماز، باید از نزدیکان شروع کنیم. «كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ»
۷. ارشاد و توصیه به نماز باید دایمی باشد. «وَ كَانَ يَأْمُرُ» ...

۳۱. پایداری بر نماز خانواده

وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا تَسْأَلْكَ رِزْقًا حَتَّىٰ نَزُقَكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ (طه، ۱۳۲)

و خانواده‌ات را به نماز فرمان ده و بر آن پایدار باش. ما از تو روزی نمی‌خواهیم، (بلکه) ما تو را روزی می‌دهیم، و سرانجام (نیکو) برای (اهل) تقوا است.

نکته‌ها:

در روایات متعددی آمده است که پس از نزول این آیه، پیامبر ﷺ تا چندین ماه در خانه حضرت علی و فاطمه علیها السلام را می‌زدند و در آستانه در می‌فرمودند: «الصلاة» آن گاه به قرائت آیه تطهیر می‌پرداختند.^۱

هر گاه وضع زندگی رسول خدا ﷺ تنگ می‌شد، این آیه را تلاوت می‌فرمود، آن گاه به افراد خانه دستور می‌دادند تا نماز بخوانند.^۲

«اصْطَبِرْ عَلَيْهَا» یعنی هم در انجام نماز وهم در امر به آن تأکید و پایداری کن.

۱. تفاسیر کبیر فخر رازی و در المنثور و مجمع البیان.

۲. تفسیر المیزان.

پیام‌ها:

۱. امر به معروف از کسانی اثر بیشتری دارد که خود جذب مادیات نشده باشند.
«لَا تَمُكِّنْ ... وَ أَمْرُ أَهْلِكَ»
۲. رهبر جامعه‌ی اسلامی نباید از خانواده خود غافل باشد. «وَ أَمْرُ أَهْلِكَ بِالصَّلَاةِ»
۳. مرد نسبت به سرنوشت فکری و دینی خانواده خود مسئول است و تنها رعایت امور مادی آنان کافی نیست. «وَ أَمْرُ أَهْلِكَ»
۴. یکی از مهم‌ترین زمینه‌های امر به معروف، خانواده و نزدیکان انسان است. «وَ أَمْرُ أَهْلِكَ» ... (دایره‌ی اهل، به زن و فرزند منحصر نیست، بلکه همه‌ی افراد خاندان را شامل می‌شود).
۵. مبلغ باید در مرحله‌ی اوّل به تبلیغ خانواده خود بپردازد. «وَ أَمْرُ أَهْلِكَ»
۶. اولین مرحله‌ی تربیت، کانون خانواده است. «وَ أَمْرُ أَهْلِكَ»
۷. فرمان به نماز از میان سایر واجبات، رمز بیمه شدن اعضای خانواده است. «وَ أَمْرُ أَهْلِكَ بِالصَّلَاةِ»
۸. برای عدم وابستگی به زرق و برق دنیا، به نماز پناهنده شویم. «لَا تَمُكِّنْ ... وَ أَمْرُ أَهْلِكَ بِالصَّلَاةِ»
۹. یکی از مصادیق روشن و بلند معروف، نماز است. «وَ أَمْرُ أَهْلِكَ بِالصَّلَاةِ»

۱۰. موضوع نماز در خانواده دارای اهمیت خاصی است، باید والدین بر آن اصرار کنند.^۱ «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا»
۱۱. امر به معروف، مداومت و پایداری لازم دارد. «اصْطَبِرْ عَلَيْهَا»
۱۲. خداوند از عبادت ما سودی نمی‌برد، ثمره‌ی آن به خود ما باز می‌گردد. «لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا»
۱۳. سفارش به نیکی‌ها باید جدی و همراه بیان آثار باشد. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ ... وَ الْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى»
۱۴. نماز، زمینه‌ساز پاکدامنی و تقواست. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ ... وَ الْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى»
۱۵. حسن عاقبت در سایه‌ی تقوای الهی است، نه مادیات. «وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى»

۱. در تحقیقاتی که از جامعه‌ی دانش‌آموزی و نوجوان و جوان شده است، درصد بالایی از آنان علت توجه به نماز خود را توجه خانواده‌های خویش به آن دانسته‌اند.

۳۲. سفارش فرزندان به نماز

يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (لقمان، ۱۷)

فرزندم! نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و بر آنچه از سختی‌ها به تو می‌رسد مقاومت کن که این (صبر) از امور واجب و مهم است.

نکته‌ها:

با این که در قرآن، ۲۸ مورد در کنار نماز از زکات یاد شده، اما در این جا کنار نماز امر به معروف ذکر شده است. شاید به خاطر آن که در این آیه مورد خطاب فرزند است و فرزندان معمولاً ثروتی ندارند که زکات بپردازند. «أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ» حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: در مشقت و سختی‌هایی که در راه امر به معروف و نهی از منکر به تو می‌رسد، صبر کن.^۱

پیام‌ها:

۱. یکی از وظایف والدین نسبت به فرزندان، سفارش به نماز است. «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ»

۱. تفسیر مجمع البیان.

۲. پاکسازی درونی را با دوری از شرک و بازسازی روحی را با نماز آغاز کنیم. «در آیه قبل می‌فرماید «لَا تُشْرِكْ ... أَقِمِ الصَّلَاةَ»
۳. وجوب امر به معروف و نماز، مخصوص دین اسلام نیست. (قبل از اسلام نیز، لقمان سفارش به نماز کرده است) «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ»
۴. فرزندان خود را از طریق سفارش به نماز، مؤمن و خدایی، و از طریق سفارش به امر به معروف و نهی از منکر، افرادی مسئول و اجتماعی تربیت کنیم. «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ»
۵. آگاهی فرزندان خود را به قدری بالا ببریم که معروف‌ها و منکرها را بشناسند تا بتوانند امر و نهی کنند. «يَا بُنَيَّ ... وَ أْمُرْ ... وَ أَنَّهُ»
۶. بعد از توجّه به مبدأ و معاد، مهم‌ترین عمل، نماز است. «أَقِمِ الصَّلَاةَ»
۷. کسی که می‌خواهد در جامعه امر و نهی کند و قهراً با هوس‌های مردم درگیر شود، باید به وسیله‌ی نماز خودسازی و خود را از ایمان سیراب کند. «أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ»

۳۳. دعا برای نمازگزار شدن فرزندان

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَسَافًا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ (ابراهيم، ۴۰)
 پروردگارا! مرا برپا دارنده نماز قرار ده و از نسل و ذریه‌ام نیز. پروردگارا! دعای مرا
 (نماز و عبادتم را) بپذیر.

پیام‌ها

۱. تکرار کلمه‌ی «رَبِّ» در آغاز دعاهاى حضرت ابراهيم، نشانه تأثیر آن در
 استجابت دعا و یا یکی از آداب آن است. «رَبِّ اجْعَلْنِي»
۲. برای اقامه‌ی نماز خود و فرزندان، از خداوند استمداد کنید. «رَبِّ اجْعَلْنِي»
۳. نماز، محور دعاهاى حضرت ابراهيم است. «رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ»، «رَبِّ
 اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ»
۴. با آنکه رسالت انبیا اقامه‌ی دین است اما دعا برای اقامه‌ی نماز به جای آن،
 نشانه آن است که نماز چهره و سیمای تمام‌نمای دین است. «مُقِيمَ الصَّلَاةِ»
۵. اقامه‌ی نماز، عدل و همتای رهبری است. حضرت ابراهيم در دو مورد عبارت
 «وَمِنْ ذُرِّيَّتِي» را بکار برد: یکی درباره‌ی نماز نسل خود «مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ
 ذُرِّيَّتِي» و یکی در مورد رهبری نسل خود هنگامی که خداوند به ابراهيم

فرمود: «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي»^۱ من تو را امام مردم قرار دادم ابراهیم گفت: پروردگارا ذریه مرا نیز به این مقام برسان.

۳۴. نماز و کار

فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (جمعه، ۱۰)

پس هنگامی که نماز پایان یافت، در زمین پراکنده شوید و از فضل الهی طلب کنید و خدا را بسیار یاد کنید، باشد که رستگار شوید.

نکته‌ها:

در فرهنگ قرآن، مال دنیا فضل الهی است، لذا در این آیه می‌فرماید: «وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ»، بعد از پایان نماز جمعه، به سراغ فضل خدا یعنی درآمد و تجارت بروید. چنانکه در جای دیگر، آن را «خیر» شمرده و می‌فرماید: «إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ»^۱ اگر کسی خیری باقی گذارده، وصیت کند که در اینجا مراد از خیر، مال دنیاست.

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: هرکس در بازار و محل کسب و کار با اخلاص خدا را یاد کند، در حالی که مردم از خدا غافلند و به کارهای خود مشغولند، خداوند برای او هزار حسنه ثبت می‌کند و روز قیامت او را مورد مغفرت ویژه

۱. بقره، ۱۸۰.

خویش قرار می‌دهد.^۱

نشاط انسان برای عبادت باید بیش از نشاط او برای کسب درآمد باشد. درباره عبادت فرمود: «فَاسْعُوا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ» و در این آیه درباره تجارت می‌فرماید: «وَأَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ» هر دو کلمه «فَاسْعُوا» و «أَبْتَغُوا» به معنای تلاش و حرکت است، لیکن در آیه اول واژه «سعی» و حرف «فاء» وجود دارد که عشق و نشاط و سرعت در آن نهفته است.

پیام‌ها:

۱. زمان تعطیلی کسب و کار و تجارت به خاطر عبادت، نباید زیاد به درازا کشیده شود. (در آیه قبل، فرمان ترک داد و ستد صادر شد و در این آیه بلافاصله پس از انجام عبادت آن منع برطرف شد). فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ ...

۲. خداوند، تعطیل بازار مسلمانان و رهاکردن کار، حتی در یک روز کامل را نمی‌پسندد. «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا»

۳. کسب درآمد و دریافت فضل الهی، نیاز به هجرت و حرکت و مسافرت در زمین دارد. «فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ»

۴. در انجام عبادت سرعت بگیرید، «فَاسْعُوا» ولی در کار مادی به سراغ آن روید و نیازی به عجله نیست، زیرا رزق نزد خداوند مقدر است. «وَأَبْتَغُوا»

۱. تفسیر مجمع البیان.

۵. لطف و فضل خداوند بسیار است ولی انسان باید برای به دست آوردن آن تلاش کند. «وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ»
۶. در اسلام، تن پروری ممنوع است. «وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ»
۷. دنیا، گوشه‌ای از فضل الهی است. «مِنْ فَضْلِ اللَّهِ»
۸. رستگاری، در سایه انجام فرمان‌های الهی است. فَاسْعَوْا ... ذَرُّوا ... وَابْتَغُوا ... وَادْكُرُوا ... لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ
۹. تلاش برای رسیدن به امور معنوی و مادی، هر دو فرمان خداست. در آیه قبل فرمود: «فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ» و در این آیه می‌فرماید: «وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ»
۱۰. اگر داد و ستد با اراده انسان باشد معامله‌ای بیش نیست، «وَذَرُّوا الْبَيْعَ»، اما اگر بعد از انجام عبادت به سراغ داد و ستد رفتیم، به فضل الهی تبدیل می‌شود. «وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ»
۱۱. تلاش برای دنیا نباید همراه با غفلت از یاد خدا باشد. «وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا»
۱۲. اسلام هم خواهان کیفیت در عبادت است، «فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ»^۱ و هم به دنبال کمیت. «وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا»
۱۳. آنجا که زمینه غفلت و لغزش بیشتر است مثل بازار، یاد خدا ضروری‌تر است. «وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا»

۱. مؤمنون، ۲.

۱۴. یاد خدا در همه حال لازم است، چه در حال عبادت، «فَاسْعُوا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ»
و چه در حال تجارت. «وَ ابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ اذْكُرُوا اللَّهَ»

۱۵. انسان با عملکرد و انتخاب خوب خود می‌تواند زمینه رستگاری را فراهم
آورد. «فَاسْعُوا ... وَ ابْتَغُوا ... وَ اذْكُرُوا ... لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»

۱۶. یاد خدا، زمانی عامل رستگاری می‌شود که مداوم و مستمر باشد. «وَ اذْكُرُوا
اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»

۳۵. نماز محو کننده گناهان

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفَا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ (هود، ۱۱۴)

و نماز را در دو طرف روز و اوایل شب بپادار، (زیرا) بدستى که کارهای نیکو (همچون نماز)، بدی‌ها را محو می‌کند، این (فرمان)، تذکری است برای اهل ذکر.

نکته‌ها:

در روایات، مراد از دو طرف روز، صبح و مغرب، و مراد از اوایل شب، نماز عشا بیان شده است.^۱ البته این آیه در مقام بیان تمام نمازهای روزانه نیست. شخصی از اعمال زشت خویش ناراحت بود، لذا پس از نماز در مسجد از پیامبر ﷺ خواست تا او را حدّ بزند، حضرت به او فرمود: چون بعد از آن عمل خلاف، در نماز جماعت شرکت کرده‌ای، خداوند تو را بخشید.^۲

امید بخش‌ترین آیه‌ی قرآن

حضرت علی علیه السلام بر جمعی وارد شده و از آنها سؤال فرمودند: آیا می‌دانید

۱. تفسیر کنز الدقائق.

۲. تفسیر مجمع البیان.

امیدبخش‌ترین آیه‌ی قرآن کدام است؟! هر کس به فراخور حال خویش آیه‌ای را عنوان کرد. بعد از اینکه حضرت نظرات آنان را شنید، فرمودند: از حبیبم رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: امیدبخش‌ترین آیه در قرآن این آیه است: «أَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفَا مِنَ اللَّيْلِ، إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ» سپس پیامبر ﷺ ادامه دادند: یا علی! سوگند به خداوندی که مرا بشیر و نذیر به سوی مردم مبعوث کرد، وقتی که انسان برای نماز وضو بگیرد، گناهانش ریخته می‌شود، و زمانی که رو به قبله کند، پاک می‌شود. یا علی! مثال اقامه کننده‌ی نمازهای روزانه، مثل کسی است که هر روز پنج مرتبه در نهر آبی که جلوی منزل اوست خود را شستشو کند.^۱

پیام‌ها:

۱. نمازها را باید در وقت مقرر انجام داد. «طَرَفِي النَّهَارِ»
۲. نماز، روشن‌ترین نمونه‌ی کار نیک است. «أَقِمِ» ... «إِنَّ الْحَسَنَاتِ ...»
۳. اعمال انسان در یکدیگر تأثیر دارند. «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ»
۴. دستور به نماز، روشن‌ترین پند خداست. «ذَلِكَ ذِكْرِي» (نماز، ذکر الهی است)

۱. تفاسیر مجمع البیان و کنز الدقائق.

۳۶. آبادانی مسجد به دست نمازگزاران

إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَحْشَ إِلَّا
اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ (توبه، ۱۸)

مساجد خدا را تنها کسانی باید آباد کنند که به خدا و روز قیامت ایمان دارند و نماز را به پا داشته و زکات می‌پردازند و جز از خدا نمی‌ترسند. امید است که آنان از ره‌یافتگان باشند.

نکته‌ها:

مسجد، پایگاه مهم عبادی و اجتماعی مسلمانان است. بنا بر این، هم متولیان آن باید صالح و پاک باشند و هم برنامه‌هایش سازنده و تربیت کننده، هم بودجه‌اش مشروع و حلال باشد و هم مسجدیان اهل تقوا و خدایی و مورد تکریم. و گر نه اگر سازندگان مساجد، جباران و سلاطین باشند و پیشنمازان، افراد بی‌سواد و ترسو و خادمان نیز وارفتگان بی‌حال، طبعاً مساجد از هدف اصلی خود که آبادی معنوی است، دور خواهند ماند.

به گفته‌ی مرحوم فیض کاشانی در تفسیر صافی، تعمیر مسجد شامل مرمت، نظافت و فرش کردن، روشنایی، تدریس و تبلیغ می‌شود.

در قرآن ۳۲ بار از زکات یاد شده که ۲۸ بار آن در کنار نماز بیان شده است. رسول خدا ﷺ فرمود: «إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ يَعْتَادُ الْمَسْجِدَ فَاشْهَدُوا لَهُ

بِالْإِيمَانِ^۱ همین که دیدید کسی به مسجد رفت و آمد می‌کند، به ایمان او گواهی دهید.

در احادیث برای کسانی که به مسجد رفت و آمد می‌کنند، بهره‌های فراوان ذکر شده است، از جمله: پیدا کردن دوست و برادر دینی، آگاهی‌های مفید، ارشاد و دوری از گناه، برخورداری از نعمت و رحمت الهی.^۲

پیام‌ها:

۱. تولیت و تعمیر مسجد شرايطی دارد:

الف: از جهت اعتقادی، ایمان به مبدأ و معاد. «أَمَّنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ»
ب: از نظر عملی، برپا داشتن نماز و پرداخت زکات. «أَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ»
ج: از جهت روحی، شجاعت و نفوذناپذیری. «لَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ» (اگر متولی مسجد، شجاع باشد، مسجد نیز کانون حرکت‌های ضدّ ظلم خواهد بود)

۲. وظیفه‌ی متولیان مساجد و تعمیرکنندگان آنها، رسیدگی به محرومان است.
«إِنَّمَا يَعْمُرُ» ... «آتَى الزَّكَاةَ»

۳. ایمان از عمل جدا نیست، «أَمَّنَ» ... «وَأَقَامَ» نماز از زکات جدا نیست، «أَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ» و مسجد از انقلاب جدا نیست. «مَسَاجِدَ اللَّهِ» ... «وَلَمْ يَخْشَ»

۱. تفسیر درّ المنثور.

۲. وسائل الشیعه و تفسیر درّ المنثور.

۴. با وجود ایمان، عمل صالح، نماز، زکات و شجاعت، باز هم مغرور نشویم، هنوز خطر انحراف وجود دارد. «فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَن يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ»

۳۲. ضایع کردن نماز

خَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا (مریم، ۵۹)
آن گاه پس از آنان، جانشینان بد و ناشایسته‌ای آمدند که نماز را ضایع کردند و هوس‌ها را پیروی کردند. پس به زودی (کیفر) گمراهی خود را خواهند دید.

نکته‌ها:

«خلف»، فرزند صالح را گویند و «خَلَفٌ» فرزند ناصالح است. کلمه‌ی «غی» در مقابل رشد است. «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ»^۱

ضایع کردن نماز، غیر از نخواندن و ترک آن است. کسی که نماز می‌خواند، ولی بدون رعایت شرایط آن یا با تأخیر، چنین کسی نماز را ضایع کرده و آن را سبک شمرده است.^۲

در روایتی می‌خوانیم: همین که حضرت رسول ﷺ این آیه را تلاوت می‌فرمودند، منقلب شده، فرمودند: بعد از ۶۰ سال، گروهی نماز را ضایع

۱. بقره، ۲۵۶.

۲. بحار، ج ۱۱، ص ۷۲.

خواهند کرد.^۱

اگر این سخن در اوایل سال اوّل هجری گفته شده باشد، سال ۶۰ همان سال شهادت امام حسین علیه السلام و سال به قدرت رسیدن یزید است.

پیام‌ها:

۱. گاهی فرزندان و نسل آینده، زحمتهای پدران را تباه می‌کنند. (گاهی از خوبان، نسل ناهل پیدا می‌شود) «خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ»

۲. نماز محور دین است. (برای نشان دادن چهره‌ی نسلی به نسل دیگر، ضایع کردن نماز آنان را نشان می‌دهد) «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ»

۳. نماز، سدّی است میان انسان و شهوت‌ها و اگر این سدّ شکسته شود، پیروی از شهوت‌ها برای انسان آسان می‌شود. «أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ»
۴. کسی که از رابطه با خدا (نماز) جدا شد، به شهوات پیوند می‌خورد. «أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ»

۵. رونق یافتن شهوات، غیّ و گمراهی است. «وَ اتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ ... يَلْقَوْنَ غَيًّا»

۶. کیفر ضایع کردن نماز، سردرگمی است. «يَلْقَوْنَ غَيًّا» (رشد واقعی در سایه‌ی معنویّت است)

۱. تفسیر نمونه.

۳۸. برخورد دشمنان با نماز

وَإِذَا نَادَيْتُمُ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوا هُزُوءًا وَلَعِبَازِلِكَ بَأْتُهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ (مائده، ۵۸)
و هر گاه که شما (به وسیله‌ی اذان، مردم را) به نماز فرا می‌خوانید آن را به مسخره و بازی می‌گیرند. این به خاطر آن است که آنان گروهی هستند که نمی‌اندیشند.

نکته‌ها:

در شأن نزول آیه‌ی فوق آمده است که جمعی از یهود و بعضی از نصاری، صدای مؤذن را که می‌شنیدند و یا قیام مسلمانان را به نماز می‌دیدند، شروع به مسخره و استهزای آنان می‌کردند.^۱

پیام‌ها:

۱. از رابطه و دوستی با کسانی که اذان (و شعائر دینی) را مسخره می‌کنند پرهیزید. «لَا تَتَّخِذُوا» ... «وَإِذَا نَادَيْتُمْ ...»
۲. برای نماز، باید ندا سر داد تا همه جمع شوند. «نَادَيْتُمْ» (نماز باید علنی باشد)
۳. در جامعه‌ی اسلامی، باید برای نماز، فریاد زد و تبلیغ کرد و هیچ کس نباید مانع آن گردد. «نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ»

۱. تفسیر نمونه.

۴. شیوهی عاقلان، برخورد منطقی است ولی بی‌خردان، اهل استهزاء هستند.

«ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ»

۳۹. نماز منافقان

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالَى يُرَآؤُنَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا (نساء، ۱۴۲)

همانا منافقان با خدا مکر و حيله می کنند در حالی که خداوند (به کیفر عملشان) با آنان مکر می کند. و هر گاه به نماز برخیزند با کسالت برخیزند، آن هم برای خودنمایی به مردم و خدا را جز اندکی یاد نمی کنند.

نکته ها:

منافق، کسی است که در ظاهر احکام دینی را به جای می آورد، اما انگیزه های او الهی نیست. نماز می خواند، اما از روی ریاکاری، کسالت و غفلت. او گمان می کند با این روش خدا را فریب می دهد، در حالی که نمی داند خودش را فریب داده و خداوند به درون او آگاه است و جزای فریبکاری او را می دهد.

امام رضا علیه السلام می فرماید: چون خداوند، جزای خدعه آنان را می دهد، به این کیفر الهی، خدعه گفته می شود.^۱

۱. تفسیر نور الثقلین.

نماز مطلوب، عاشقانه، خالصانه و دائمی است. پیامبر ﷺ فرمودند: آنان که نماز را به آخر وقت می‌اندازند و فشرده می‌خوانند، نماز منافقان را انجام می‌دهند.^۱

قرآن نسبت به مؤمنان جمله‌ی «أَقَامُوا الصَّلَاةَ» به کار می‌برد ولی درباره‌ی منافقین جمله‌ی «قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ» و تفاوت میان «أَقَامُوا» و «قَامُوا» تفاوت میان برپاداشتن و به پا خواستن است.

پیام‌ها:

۱. فریبکاری، بی‌نشاطی در نماز، ریاکاری و غفلت از یاد خدا، از نشانه‌های نفاق است. إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ، «يُرَاؤُنَ»، «لَا يَذْكُرُونَ»
۲. منافقان بدانند که با خدا طرفند. «وَهُوَ خَادِعُهُمْ»
۳. کیفر خدا متناسب با عمل است. «يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ»
۴. نماز منافقان نه روحیه دارد، نه انگیزه، نه مقدار. «كُسَالَى»، «يُرَاؤُنَ»، «قَلِيلًا»

۱. در المنثور، ج ۲، ص ۲۳۷.

۴۰. شیطان و نماز

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيُضِلَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ (مائده، ۹۱)

همانا شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار، میان شما دشمنی و کینه بیفکند و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد. پس (با این همه مفسد) آیا دست برمی‌دارید؟

نکته‌ها:

با آن که طبق آماری که ارائه می‌شود، بسیاری از قتل‌ها، جرائم، تصادفات، طلاق‌ها، امراض روانی، کلیوی و ... ناشی از شراب است، اما قرآن در این آیه بیان فلسفه‌ی تحریم، روی دو نکته تأکید دارد: یکی ضرر اجتماعی یعنی کینه و عداوت، و دیگری ضرر معنوی یعنی غفلت از نماز و یاد خدا.

این آیه برجسته‌ترین اثر شراب و قمار را بازداشتن از یاد خدا و نماز دانسته است، اکنون جای این سؤال است که اگر کارهای عادی مثل تجارت، ورزش، تحصیل و مطالعه و امثال آن نیز ما را سرگرم کرده و از یاد خدا و نماز بازدارد، آیا مانند شراب و قمار است؟ آری، هر چه ما را از خدا غافل کند، مانند شراب و قمار ناپسند است، گرچه اسلام به خاطر لطف و آسان گرفتن، آن را حرام نکرده باشد.

پیام‌ها:

۱. هر کس که عامل کینه و عداوت در میان مردم شود، مانند شیطان است. «إِنَّهَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ...»
۲. تحریکات شیطان دائمی است. «إِنَّهَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ» (فعل مضارع، رمز دوام و استمرار است).
۳. جامعه‌ای که در آن عداوت باشد، شیطانی است. «إِنَّهَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ...»
۴. از الفت و وحدت پاسداری کنیم و با هر چه آنها را از بین می‌برد مبارزه کنیم. «إِنَّهَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ»
۵. الفت و مهربانی بین اهل ایمان، مورد عنایت خاص خداوند است. «إِنَّهَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ»
۶. قمار و شراب، ابزار کار شیطان برای ایجاد کینه و دشمنی است. «إِنَّهَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ... «فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ»
۷. نماز برترین سبیل یاد خداست. (با اینکه نماز ذکر خداست، نام آن جداگانه آمده است) «عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ»
۸. بیان فلسفه‌ی احکام، یکی از عوامل تأثیر کلام در دیگران است. «الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ... «فَهَلْ أَنْتُمْ مُتَّهَوْنَ»
۹. با تمام عواملی که باعث ایجاد کینه و دشمنی می‌شود باید مبارزه کرد. «يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ... «فَهَلْ أَنْتُمْ مُتَّهَوْنَ»

۱۰. برخی از مسلمانان در صدر اسلام که علی رغم تحریم شراب و قمار، باز بدان مشغول بودند، مورد توبیخ خداوند قرار گرفتند. «فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ»

۴۱. عدم توجه به نماز دلیل جهنمی شدن

فِي جَنَّتٍ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ الْمُجْرِمِينَ مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ «مدثر، ۴۰-۴۴»

اصحاب یمین، که در باغ‌های بهشتی هستند از مجرمان می‌پرسند: چه چیز شما را روانه دوزخ کرد. گویند: ما از نمازگزاران نبودیم.

نکته‌ها:

نمازی که گاه و بیگاه خوانده شود، انسان را در زمره نمازگزاران قرار نمی‌دهد. «لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ» یعنی نماز ما استمرار نداشت. در سوره ماعون نیز آمده است: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»^۱ و این چنین نمازی انسان را مشمول شفاعت شافعان قرار نمی‌دهد. لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ ... فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ^۲ و این همان حدیث معروف امام صادق علیه السلام است که در آستانه شهادت فرمودند که بستگانم را حاضر کنید و خطاب به آنان فرمودند: «لا ينال شفاعتنا من استخف بالصلاة»^۳

۱. ماعون، ۵ و ۶.

۲. مدثر، ۴۳ و ۴۸.

۳. کافی، ج ۳، ص ۲۷۰.

پیام‌ها:

۱. کیفر بی‌نمازی آتش جهنم است.
۲. در صدر اعتراف دوزخیان اعتراف به بی‌نمازی است.

۴۲. نماز بدون حضور قلب و همراه با ریا

قَوْلُ الْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ الَّذِينَ هُمْ يُرَاُونَ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ
«ماعون، ۷-۴»

پس وای به حال نمازگزاران. آنان که از نمازشان غافلند. آنان که پیوسته ریا می‌کنند. و از دادن زکات (و وسایل ضروری زندگی) باز می‌دارند.

نکته‌ها:

«ماعون» از «معن» به معنای ابزار و وسایلی است که معمولاً همسایگان به یکدیگر عاریه می‌دهند تا آنکه نیازشان برطرف شود. مثل ظروف غذاخوری در مهمانی‌ها.

دین یک مجموعه به هم پیوسته است. نمازش از اطعام مسکین و رسیدگی به محرومین جدا نیست.

در روایات، «سَاهُونَ» به معنای سستی، ترک و ضایع کردن نماز آمده است.^۱ حساب حضور در نماز جماعت، به خاطر حفظ شعائر الهی، از حساب ریا و خودنمایی به خاطر اهداف نفسانی جداست.

۱. تفسیر نورالثقلین.

در حدیث می‌خوانیم: هر کس به اوقات نماز بی‌اعتنائی کند و نماز را در اول وقت نخواند، ویل دارد.^۱

پیام‌ها:

۱. هر نمازی ارزش ندارد و هر نمازگزاری بهشتی نیست. «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ»

۲. سهو اگر برخاسته از تقصیر و بی‌اعتنائی باشد، سرزنش دارد. «عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»

۳. سهو در نماز قابل جبران و بخشش است ولی سهو از نماز، به معنای رها کردن آن، قابل بخشش نیست. «عَنْ صَلَاتِهِمْ» نه «فِي صَلَاتِهِمْ»

۴. اخلاص، شرط قبولی نماز و عبادت است. «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ... يُرَاؤْنَ»

۵. کسی که گاهی از نماز غافل می‌شود، مشمول ویل است، پس وضع تارکان دائم نماز چیست! «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ... عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»

۶. خدمت به مردم در کنار نماز است. «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ... يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ»

۷. غفلت از نماز، بستر غفلت از مردم است. «عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ... يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ»

۸. سهو از اصل و حقیقت نماز مهم است، نه از تعداد رکعات که گاهی عارض می‌شود و قابل جبران است. «عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»

۱. تفسیر نورالثقلین.

[illegible]

